

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی

عنوان

راهبرد امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محمد ستوده

استاد مشاور

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر لکزایی

نگارنده

ایرج حجازی

1386

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

12	بیان مسأله
13	علت انتخاب موضوع
13	سابقه پژوهش
14	سؤال اصلی پژوهش
14	پیش فرض های پژوهش
14	اهداف پژوهش
14	فرضیه پژوهش
14	مفاهیم
15	متغیرها
15	سؤالات فرعی پژوهش
15	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها
15	سازماندهی پژوهش
16	فصل اول:
16	مفاهیم، متغیرها و چارچوب نظری
17	مقدمه
19	الف) مفاهیم
19	1. مفهوم راهبرد
24	2. مفهوم امنیت
25	1 - 2. معنای لغوی امنیت
26	2 - 2. تعاریف امنیت:
27	3 - 2. تحول و تطور مفهوم امنیت
27	1 - 3 - 2. گفتمان اولیه از امنیت
28	2 - 3 - 2. دوره مدرن
28	3 - 3 - 2. در عصر جهانی شدن
30	4 - 2. سطوح امنیت
30	1 - 4 - 2. امنیت نظامی
30	2 - 4 - 2. امنیت سیاسی
30	3 - 4 - 2. امنیت اقتصادی
30	4 - 4 - 2. امنیت اجتماعی
30	3. مفهوم منطقه

31	4. امنیت منطقه‌ای
32	4 - 1. تاریخچه امنیت منطقه‌ای
34	4 - 2. دیدگاه‌های مربوط به امنیت منطقه‌ای
34	4 - 2 - 1. امنیت دسته جمعی
36	شرایط و مفروضات امنیت دسته جمعی
37	4 - 2 - 2. دفاع دسته‌جمعی
38	4 - 2 - 3. نظام امنیت مشترک
39	ب) چارچوب نظری
39	1. نظام امنیت منطقه‌ای
40	دیدگاه‌ها
40	1 - 1. دیدگاه باری بوزان و ویور
42	1 - 2. کانتوری و اشیگل
43	1 - 3. تامپسون
44	1 - 4. دیوید ای. لیک
44	1 - 4 - 1. نقش عوامل مؤثر خارجی
45	1 - 4 - 2. عوامل امنیتی خارجی
46	1 - 4 - 3. ساختار نظام‌های منطقه‌ای
47	1 - 4 - 4. ساختار نظام‌های جهانی
47	1 - 4 - 5. مداخله قدرت‌های بزرگ
52	خلاصه فصل اول:
	فصل دوم: جغرافیا و مجاورت و عوامل مؤثر درون منطقه‌ای
	مقدمه
	1. جغرافیا و مجاورت
	2. اهمیت خلیج فارس و امنیت منطقه‌ای
	3. قدرت‌های اصلی درون منطقه‌ای
	3 - 1. ایران
	3 - 2. عربستان
	3 - 2 - 1. پیروزی انقلاب اسلامی ایران
	3 - 2 - 2. جنگ ایران و عراق
	3 - 2 - 3. حمله عراق به کویت
	رابطه عربستان و آمریکا
	1. ثروت‌های عظیم نفتی
	2. مذهب یا ایدئولوژی
	3 - 3. عراق
	3 - 3 - 1. روابط ایران و عراق
	3 - 3 - 2. نگرش عراق نسبت به امنیت خلیج فارس
	4. قدرت‌های حاشیه‌ای درون منطقه‌ای
	4 - 1. کویت

Error! Bookmark not defined.	<u>4 - 2 امارات متحده عربی</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>4 - 3 بحرین</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>4 - 4 قطر</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>4 - 5 عمان</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>5 سازمان درون منطقه‌ای</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>شواری همکاری و امنیت منطقه‌ای</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>5 - 1 تحولات روابط شورای همکاری با ایران</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>5 - 1 - 1 جنگ ایران و عراق</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>5 - 1 - 2 اشغال کویت</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>5 - 1 - 3 مسأله جزایر سه‌گانه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>5 - 2 ویژگی‌های سیستم امنیتی شورای همکاری</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>بیانیه دمشق (2 + 6)</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>خلاصه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>فصل سوم: متغیرهای مؤثر برون منطقه‌ای</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>و نظام امنیت منطقه‌ای</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>مقدمه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>الف) آمریکا</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>1. سیر تاریخی نفوذ و حضور آمریکا در خلیج فارس</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>2. منافع و اهداف آمریکا از حضور در خلیج فارس</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>3. نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس در سیاست خارجی آمریکا</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>3-1. استراتژی دو ستونی نیکسون و امنیت منطقه‌ای</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>3-2. نیروهای واکنش سریع و امنیت منطقه‌ای</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>3 - 3 سیاست موازنه و امنیت منطقه‌ای</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>3-4. سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد و پس از آن در منطقه خلیج فارس</u>
Error! Bookmark not defined.	defined.
Error! Bookmark not defined.	<u>3-5. جنگ خلیج فارس و مداخله آمریکا</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>پیامدهای جنگ دوم خلیج فارس</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>الف) طرح 2 + 6</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ب) فروپاشی نظام عربی</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ج) هژمونی آمریکا</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>د) رسمیت بخشیدن به حضور نیروهای بیگانه در منطقه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>6 - 3. استراتژی مهار دو جانبه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>7 - 3. استراتژی پیش‌دستانه</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ب) فروش تسلیحات</u>
Error! Bookmark not defined.	<u>ج) اروپا</u>

Error! Bookmark not defined.	1. انگلستان
Error! Bookmark not defined.	2. فرانسه
Error! Bookmark not defined.	3. روسیه
Error! Bookmark not defined.	4. ژاپن
Error! Bookmark not defined.	خلاصه فصل سوم
Error! Bookmark not defined.	فصل چهارم: راهبرد امنیت منطقه‌ای بومی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها
Error! Bookmark not defined.	مقدمه
Error! Bookmark not defined.	1. سیاست منطقه‌ای ایران قبل از انقلاب اسلامی
Error! Bookmark not defined.	1 - 1. عضویت در پیمان بغداد
Error! Bookmark not defined.	2 - 1. عضویت در سنتو
Error! Bookmark not defined.	1. تهدید ناشی از تضاد بین ایدئولوژی کمونیسم و نظام پادشاهی
Error! Bookmark not defined.	2. تهدید ناشی از توانمندی‌های نظامی شوروی علیه تمامیت ارضی، قلمرو و جمعیت کشور
	not defined.
Error! Bookmark not defined.	3 - 1. ژاندارمی منطقه
Error! Bookmark not defined.	1 - 3 - 1. تلاش‌های در جهت تثبیت ژاندارمی منطقه
Error! Bookmark not defined.	2 - 3 - 1. دخالت مستقیم
Error! Bookmark not defined.	2. سیاست منطقه‌ای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی
Error! Bookmark not defined.	1 - 2. جنگ عراق و ایران
Error! Bookmark not defined.	دخالت غرب در جنگ
Error! Bookmark not defined.	کمک‌های کویت و عربستان به عراق
Error! Bookmark not defined.	راهبرد عملگرایی
Error! Bookmark not defined.	پیگیری سیاست آشتی جویانه با دولت‌های عضو شورای همکاری
Error! Bookmark not defined.	مهار عراق
Error! Bookmark not defined.	1 - 3 - 2. مرحله اول: از آتش بس 27 تیر 1367
Error! Bookmark not defined.	2 - 3 - 2. مرحله دوم: از زمان تجاوز عراق به کویت تا پایان جنگ خلیج فارس
	defined.
Error! Bookmark not defined.	3 - 3 - 2. مرحله سوم: پس از پایان جنگ 1991 سرنگونی صدام حسین
Error! Bookmark not defined.	3. راهبرد تنش‌زدایی
Error! Bookmark not defined.	1 - 3. چستی سیاست تنش‌زدایی
Error! Bookmark not defined.	2 - 3. سیاست تنش‌زدایی ج.ا. ایران
Error! Bookmark not defined.	سید کمال خرازی وزیر خارجه وقت ج.ا. ایران
Error! Bookmark not defined.	4. راهبرد عدالت‌محوری و سیاست منطقه‌ای ایران
Error! Bookmark not defined.	5. مدل امنیت منطقه‌ای بومی ایران
Error! Bookmark not defined.	1 - 6. دیدگاه رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای
Error! Bookmark not defined.	2 - 6. پیام نوروزی مقام معظم رهبری
Error! Bookmark not defined.	3 - 6. هاشمی رفسنجانی
Error! Bookmark not defined.	4 - 6. پیشنهاد دکتر حسن روحانی
Error! Bookmark not defined.	7. بند هشتم قطعنامه 598 و امنیت منطقه‌ای
Error! Bookmark not defined.	8. سند چشم‌انداز و امنیت منطقه‌ای ج.ا. ایران

Error! Bookmark not defined. [9-1. چالش‌ها](#)

Error! Bookmark not defined.	9-1-1. مسئله نفت و حضور قدرت های خارجی
Error! Bookmark not defined.	9-1-1-1. سهم خلیج فارس از بازار نفت جهان
Error! Bookmark not defined.	9-1-1-2. آمریکا و نفت
Error! Bookmark not defined.	9-1-1-3. امنیت انرژی
Error! Bookmark not defined.	9-1-2. پرونده هسته‌ای ایران
Error! Bookmark not defined.	9-2. فرصت‌ها و امکانات
Error! Bookmark not defined.	9-2-1. نگاه به درون
Error! Bookmark not defined.	9-2-2. ترویج روحیه جمع - جمع
Error! Bookmark not defined.	9-2-3. توجه به ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود
Error! Bookmark not defined.	9-2-3-1. اعتمادسازی
Error! Bookmark not defined.	9-2-3-1-1. ارتباط نزدیک مقامات سیاسی کشورهای منطقه
Error! Bookmark not defined.	نمونه‌های از آن خواسته‌ها
Error! Bookmark not defined.	1. کنفرانس گفتگو
Error! Bookmark not defined.	2. عبدالعزیز مهنا
Error! Bookmark not defined.	سلطان قابوس: در دیدار با دکتر احمدی نژاد
Error! Bookmark not defined.	6-2-3-1-2. تلاش برای دستیابی به اطلاعات جامع از کشورهای همسایه
		defined.
Error! Bookmark not defined.	6-2-3-1-3. ایجاد تریبون منطقه‌ای
Error! Bookmark not defined.	6-2-3-1-4. کانون پژوهشگران خلیج فارس
Error! Bookmark not defined.	6-2-3-1-5. مساعی جمیله
Error! Bookmark not defined.	6-2-3-1-6. داوری
Error! Bookmark not defined.	6-2-3-1-1. ترتیبات منطقه‌ای
Error! Bookmark not defined.	6-2-3-2. اسلام، دین مشترک منطقه
Error! Bookmark not defined.	6-2-4. حرکت برای تاسیس سازمان امنیت و همکاری
Error! Bookmark not defined.	6-2-5. بازنگری در شورای همکاری
Error! Bookmark not defined.	6-2-6. شناسایی عوامل تهدید کننده امنیت منطقه
Error! Bookmark not defined.	6-2-7. تلاش جهت دستیابی به یک تعریف از منافع کشورهای منطقه
Error! Bookmark not defined.	7. بایسته‌های تدوین امنیت منطق جمهوری اسلامی ایران
Error! Bookmark not defined.	نتیجه‌گیری
Error! Bookmark not defined.	فهرست منابع
Error! Bookmark not defined.	الف) کتاب‌ها
Error! Bookmark not defined.	مقالات:
Error! Bookmark not defined.	منابع لاتین:

تقدیم به:

پدر، مادر و همسر مهربانم که اگر نبود همدلی و حمایت آنان مطمئناً چنین تلاشی
فرجامی نداشت.

تقدیر و تشکر:

حمد و سپاس خدای را عزوجل که جز او شایسته ثنا و ستایش نیست و چه کسی می‌تواند به جا آورد حمد و ثنای او را که برترین خلایق فرمود: آن‌چنان که باید تو را نشناختم و آن‌چنان که بسزد تو را پرستش ننمودم. درود و سلام و تحیت خداوند بر بندگان برگزیده او انبیاء، اولیاء و اوصیاء به ویژه سرور پیامبران و افضل رسولان حضرت محمد مصطفی، خاتم الانبیاء(ص) و خاندان پاک و طاهرش.

تقدیر خالصانه و تشکر صمیمانه از همه اساتید که خداوند توفیق تلمذ و درس‌آموزی از محضر پربرکتشان را به من عنایت فرمود چگونه توان پاس داشت حق معلم و حقیقت معلمی را که سید الاوصیاء علی مرتضی(ع) فرمود: هر کس مرا حرفی آموزد، هر آینه مرا بنده خویش ساخته است. سپاس و قدردانی ویژه از اساتید ارجمندی که علی‌رغم سستی و کاستی حقیر، بزرگواران صبورانه کرده و مرا در تدارک این پایان‌نامه متواضعانه راهنمایی کرده و اندیشمندانه یاری رساندند، استاد راهنما جناب آقای دکتر ستوده و استاد مشاور حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر لک‌زایی که خداوند در هر حال یار و نگهدارشان باد.

و از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن این نوشتار نقش داشته‌اند. به خصوص سرکار خانم جهانگیر که تایپ آن را متحمل زحمت شده‌اند و همسر و همشیره‌ام که زحمت مقابله آن را برعهده داشتند از مساعدت همه آنان نیز تشکر می‌نمایم.

چکیده:

امنیت به طور عام همواره از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌ها بشر بوده و امنیت منطقه‌ای که یکی زیرمجموعه‌های امنیت است نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این رو امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس که این رساله آن را رصد می‌کند از موضوعات قابل توجه در حوزه امنیت است که نگاه جمهوری اسلامی ایران به امنیت این منطقه چیست؟ و چه راهبردی را در پیش روی دارد؟ و اینکه نگاه کشورهای مجاور این دریای بیکران به امنیت منطقه ای چیست؟ آیا آنان به دنبال امنیت بومی با مشارکت کشورهای منطقه هستند؟ و یا اینکه نگاه بیرونی به امنیت دارند و تحقق امنیت را تحت لوای نیروهای خارجی و فرامنطقه‌ای جستجو می‌کنند؟ این نوشتار با پرداختن به این سوالات در صدد است تا پاسخی مناسبی برای آنان ارایه کند و از سویی تلاش دارد آگاهی خوبی به خوانندگان به دست بدهد. و بر این نکته تأکید دارد که راهبرد امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران امنیت بومی و با مشارکت تمامی کشورها منطقه است، و این راهبرد در عمل و نظر به وضوح قابل رهگیری است و در مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران به صراحت بر آن تأکید شده است. عدم تحقق چنین امری را ناشی از نقش متغیرهای مؤثر درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌داند. خود باوری و روی آوردن به مشترکات دینی فرهنگی و منطقه ای و عوامل همگرایی را در تقویت و تحقق چنین راهبردی مؤثر می‌داند.

از سویی تلاش برای تحقق چنین راهبردی را در سطوح مختلف در دستور کار قرار داد. از این رو پس از سیاست تنش زدایی منطقه ای که در چند سال گذشته سرلوحه دستگاه دیپلماسی کشور قرار داشت امروزه با سفرهای منطقه ای مقامات عالی رتبه دولت نهم به کشورهای منطقه بخصوص عربستان، امارات، عمان، و حضور در بیست و هشتمین اجلاس سران شورای همکاری خلیج فارس و پیشنهادات همکاریهای امنیتی حایز اهمیت است. همسویی کشورهای منطقه با این اقدامات می تواند به تحقق راهبرد امنیت منطقه ای بومی که جمهوری اسلامی ایران آن را دنبال می کند کمک نماید. در این مورد بر تعامل و گفتگو تاکید شد. یکی از ابزارهای مناسب که در در این چند دهه گذشته نیز مغفول ماند تعامل و گفتگو است، که در این رساله بر آن تاکید شد. و می توان در سطوح مختلف از آن بهره جست و ابهامات پیش رو را برداشت.

بیان مسأله

مسأله امنیت برای تمامی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران در دو سطح ملی و منطقه‌ای حائز اهمیت است. امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پیوندی عمیق با امنیت منطقه‌ای خود دارد. جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه به طور عام و در منطقه خلیج فارس به طور خاص یکی از کشورهای مهم و تأثیرگذار است که نیمی از خلیج فارس را در اختیار دارد و از سویی حساس‌ترین بخش‌های استراتژیک این منطقه در کنترل جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران در قبال صلح و ثبات آن بیش از همه احساس مسئولیت می‌کند. با توجه به ویژگی‌ها و موقعیت‌های منطقه خلیج فارس از دیرباز تاکنون مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است و حضور نیروهای خارجی در منطقه همواره یکی از متغیرهای اساسی در بحث امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده و یکی از دل‌مشغولی‌های ذهنی سیاست‌گذاران خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب شده است و برقراری امنیت و ثبات در منطقه تأکید نموده‌اند. با توجه به مطالب گفته شده این سؤال اساسی طرح می‌شود که ایران در مقطع پس از انقلاب تاکنون برای دستیابی به امنیت منطقه‌ای چه راهبرد و الگویی را پیشنهاد نموده و امنیت منطقه‌ای تحت تأثیر چه متغیرهای بوده است؟

علت انتخاب موضوع

مقوله امنیت منطقه‌ای خلیج فارس برای جمهوری اسلامی ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا تلاش برای دریافت همه جانبه ابعاد امنیت جهت شناختن راه‌های تامین آن و رفع چالش‌های امنیتی حائز اهمیت می‌باشد، رساله حاضر می‌تواند به تقویت مباحث نظری و کاربردی مطالعات امنیتی جمهوری اسلامی ایران کمک نماید و با مطالعه متغیرهای مؤثر بر امنیت منطقه‌ای، به تدوین راهکارها و تامین امنیت منطقه‌ای کمک نماید.

سابقه پژوهش

درباره مطالعات امنیتی ایران دو دسته از منابع وجود دارد. برخی منابع به طور عام مقوله امنیت ملی ایران را مورد بحث قرار داده‌اند که می‌توان به کتاب «مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» اثر محمدرضا تاجیک اشاره داشت. نویسنده در این کتاب درصدد است که چارچوب‌ها و اصول کلی برای ترسیم استراتژی‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی و آینده را به دست بدهد و در ادامه به کالبد شکافی امنیتی در عرصه مؤلفه‌های مختلف قدرت نظام پرداخته و استراتژی‌های لازم و مناسب آن را مطرح می‌کند. کتاب «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران» از سیدحسین ولی‌پور رزومی که به طرح گفتمان‌های موجود و گفتمان‌های گذشته که مطرح بودند، پرداخته است. به مقالاتی نیز در این باره می‌توان اشاره داشت از آن جمله می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان «امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس» اثر پیروز مجتهدزاده و سیمین مجتهدزاده، که نویسندگان با اشاره به روندهای گذشته و اهمیت «منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس» به ضرورت شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس تاکید دارند. مقاله‌ای دیگر از سعیده لطفیان تحت عنوان «رژیم امنیت منطقه خلیج فارس، یک چارچوب نظری» نویسنده بیشتر درصدد ارائه یک چارچوب نظری برای مطالعه و بررسی امنیت منطقه خلیج فارس است. مقالات دیگر همچون «دورنمای یک امنیت جمعی در خلیج فارس» از منصور رحمانی؛ «جایگاه ایران در تعامل منطقه‌ای و بین‌المللی در چشم‌انداز بیست ساله» اثر سید نصرالله ابراهیمی و امنیت منطقه‌ای و ثبات خلیج فارس» از جیمز ا. بیل، ترجمه باقر نصیری می‌توان اشاره

داشت که هر کدام در انجام رساله می‌توانند مؤثر باشند اما منابع موجود به صورت منسجم و علمی به بررسی راهبرد امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس نپرداخته‌اند و پژوهش حاضر در پی انجام آن می‌باشد.

سؤال اصلی پژوهش

مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری راهبرد امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس کدام است؟

پیش‌فرض‌های پژوهش

1. امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر امنیت منطقه‌ای خلیج فارس است.
2. منطقه خلیج فارس یکی از مناطق مهم ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه قلمداد می‌شود.
3. جمهوری اسلامی ایران نیمی از ساحل خلیج فارس را در اختیار دارد، لذا امنیت خلیج فارس و منطقه برای آن حائز اهمیت است.

اهداف پژوهش

1. بررسی و مطالعه امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس.
2. تبیین دیدگاه‌ها و متغیرهای مؤثر بر راهبرد امنیتی جمهوری اسلامی ایران به منظور کمک به تدوین راهبرد امنیت منطقه‌ای کارآمد و رفع چالش‌ها و موانع پیش‌روی.

روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها

به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد همچنین از سایت‌های اینترنتی هم استفاده خواهد شد.

فرضیه پژوهش

شکل‌گیری راهبرد امنیت منطقه‌ای بومی جمهوری اسلامی ایران از یک سو تحت تأثیر متغیرهای درون منطقه‌ای شامل مجاورت، قدرتهای منطقه‌ای و سازمان منطقه‌ای و از سوی دیگر تحت تأثیر عوامل برون منطقه‌ای از جمله مداخله قدرتهای خارجی می‌باشد.

مفاهیم

راهبرد: فن مدیریت و هدایت کلیه منابع در جهت تحقق و نیل به هدف خاص.

امنیت: فقدان تهدید نسبت به ارزش‌ها، منافع و هدف‌ها.

امنیت منطقه‌ای: شامل مجموعه‌ای از کشورها با شبکه‌ای از روابط امنیتی متمایز و مهم می‌باشند که دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند.

متغیرها

متغیر مستقل: متغیرهای مؤثر درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای
متغیر وابسته: شکل‌گیری امنیت منطقه‌ای.

سؤالات فرعی پژوهش

1. چه دیدگاهها و نظریه‌های درباره امنیت منطقه‌ای وجود دارد؟
2. متغیرهای مؤثر درون منطقه‌ای برای امنیت منطقه‌ای خلیج فارس کدامند؟
3. متغیرهای مؤثر برون منطقه‌ای برای امنیت منطقه‌ای خلیج فارس کدامند؟
4. فرصت‌ها و چالشهای راهبرد امنیت منطقه‌ای بومی جمهوری اسلامی ایران کدام است؟

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها

روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از ادبیات نظم منطقه‌ای و بهره‌گیری از دیدگاه دیوید ای. لیک و پاتریک ام. مورگان، راهبرد امنیت منطقه‌ای ایران بررسی و تحلیل می‌شود.

سازماندهی پژوهش

رساله حاضر از یک مقدمه و چهار فصل تشکیل می‌گردد، در مقدمه به طرح تحقیق پرداخته می‌شود. فصل اول تحت عنوان مفاهیم و چارچوب نظری، به مفهوم امنیت، امنیت منطقه‌ای و راهبرد و دیدگاه‌های مربوط به نظم امنیت منطقه‌ای طرح می‌شود.

در فصل دوم تحت عنوان متغیرهای مؤثر درون منطقه‌ای جغرافیا و مجاورت، امنیت از نگاه کشورهای منطقه و شورای همکاری خلیج فارس، پرداخته می‌شود. و مباحث فصل سوم به متغیرهای برون منطقه‌ای اختصاص دارد. فصل پایانی راهبرد امنیت منطقه‌ای بومی ج.ا. ایران بررسی شده سپس فرصتها چالشها و بایسته‌های آن بیان می‌شود.

فصل اول:

مفاهیم، متغیرها و چارچوب نظری

مقدمه

مساله امنیت همواره از آغاز تاکنون یکی از دغدغه‌های بشر بوده و هست آنچه که تغییر کرده نه اصل امنیت بلکه شکل و قالب آن بوده است. به خصوص امنیت منطقه‌ای که ویژگی‌ها و شرائط خاص خود را دارد. و منطقه خلیج فارس نیز یکی از آن منطقه‌های خاص با علائق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک که دارد همواره مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داشته است. از این رو می‌بایست به راهبرد امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران که یکی از کشورهای بزرگ این منطقه می‌باشد پرداخته شود اینکه جمهوری اسلامی ایران چه راهبردی را دنبال می‌کرد و اکنون چه راهبردی را با شرایط حاکم بر منطقه در پیش گرفته است. با توجه به این که اتخاذ هر راهبردی بدون مطالعه و شناخت جایگاه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امنیت منطقه خلیج فارس امکان‌پذیر نیست. از این رو ضروری است که نقش و تأثیر عوامل درون منطقه‌ای و برون منطقه لحاظ شود و از سویی نگاه امنیتی هر عضو و کشور منطقه نیز حائز اهمیت است و بدون توجه به اختلافات قومی، مذهبی، ساختار سیاسی و فرهنگی نمی‌توان راهبرد امنیتی در منطقه را طراحی و اجرا کرد. از سویی واحدهای سیاسی منطقه خلیج فارس نیز از توازن ژئوپولیتیکی برخوردار نیستند، آرایش سیاسی کشورها در منطقه و ترکیب عوامل قدرت باعث شکل‌گیری سه مجموعه ژئوپولیتیکی رقیب شده که باعث تجزیه قدرت در منطقه گردیده است. عراق از این سه مجموعه وضعیت خاصی پیدا کرده و انجام آن هنوز مبهم است. از این رو دو قطب دیگر عبارتند

از: ایران و مجموعه شورای همکاری خلیج فارس که عنصر برجسته آن عربستان است. این قدرت‌ها نه تنها همسو نیستند بلکه دقیقاً علیه یکدیگر به کار گرفته می‌شوند و متأسفانه بعضاً کاستی قدرت توازنی را با جلب قدرت‌های برون منطقه‌ای جبران می‌نمایند.

این خود باعث و زمینه‌ساز حضور و تداوم حضور قدرت‌های جهانی و فرامنطقه‌ای را در امور منطقه فراهم نموده است.

از این رو هر بررسی پیرامون مسئله امنیت در هر منطقه، بیش از هر چیز، نیازمند مشخص شدن منابع ناامنی در آن منطقه است. در پی فروپاشی پیمان ورشو و نظام دوقطبی در دهه 1990، مفهوم امنیت در منطقه خلیج فارس به تبع دیگر حوزها به گونه‌ای غیرقابل تصور دگرگون شده است و این به نوبه خود حضور نظامی قدرت‌های جهانی را در منطقه به دنبال دارد که خود نیز یکی از منابع ناامنی در خلیج فارس است.

الف) مفاهیم

1. مفهوم راهبرد

مفهوم راهبرد ابتدا از قلمرو ادبیات نظامی رویش خود را آغاز کرد. انقلاب فرانسه تا حدودی موجب ترقی این اصطلاح گردید و علم جنگ را موضوع آن قرار داد به رغم تحولات بعدی، جنگ اول جهانی، اولین نقطه عطف برجسته در بسط این مفهوم بود که آن را از علم تاکتیک به راهبرد نظامی تبدیل نمود. و بالاخره عوامل و شرایط برخاسته از جنگ دوم جهانی موجب گردید راهبرد دامنه وسیعی از سیاست‌گذاری و اداره سیاست را در سطح ملی و بین‌المللی دربرگیرد.¹

واژه استراتژی (راهبرد) از ریشه یونانی Strategema است که خود از واژه Strategos معنای ژنرال ارتش مشتق شده است. Stratos به معنای ارتش و ego به معنای هدایت است.² بنابراین واژه مزبور به معنای هدایت ارتش می‌باشد. راهبرد در وهله نخست، بیش از آنکه واژه‌ای سیاسی تلقی شود، اصطلاحی نظامی به نظر می‌رسد.

در مجموع در سطح نظامی، راهبرد را هنر و علم به کارگیری منابع در جنگ در راستای تأمین بیشترین حمایت از سیاست ملی در جهت افزایش احتمال به پیروزی و پیامدهای مساعد آن تعریف می‌کنند.³

چنان‌که اکثر نویسندگان و تحلیل‌گران استراتژیک معتقدند، که این اصطلاح اگرچه در حوزه مطالعات نظامی تکوین و ظهور یافته؛ اما در سیر تحول خود ماهیتی فراگیر و رشد یابنده از خود به نمایش گذارده است. به گونه‌ای که ماهیت نظامی‌اش را به شدت تحت تأثیر قرار داد و شاهد

1. حسین، اردستانی، قبض و بسط مفهوم استراتژی در قرن بیستم، تهران، دانشگاه جنگ سپاه پاسداران، بی‌نا، ص 1.

2. داریوش، آشوری، دانشنامه سیاسی، تهران، انتشارات مروارید، 1366، ص 145 و 146.

3. علیرضا ازغندی و جلیل روشندل، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، 1380، ص 5.

پیدایش گونه‌های تازه‌ای از استراتژی هستیم که ضرورتاً به کاربرد ابزارهای نظامی در صحنه نبرد، منحصر نمی‌شود. به همین دلیل از سویی کاربردی شایع و عام یافته که دیگر همچون قبل ملاحظات نظامی صرف را شامل نمی‌شود.

آندره بوفر «راهبرد» را هنر به کار بردن زور و جبر می‌داند به طوری که این زور و جبر بتواند تا حد امکان بیشترین نتیجه را در رسیدن به اهداف سیاسی به بار آورد.¹

در فرهنگ «ویستر» چنین آمده:

«راهبرد علم و هنر به کار گرفتن نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی یک ملت یا گروهی از ملت‌ها برای حداکثر حمایت از سیاست‌های اخذ شده در جنگ یا صلح».²

پنتاگون و انجمن مطالعات علمی نظامی آمریکا در سال 1963 راهبرد را چنین تعریف کرده است: فن و علم توسعه و به کارگیری قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ملت هنگام جنگ و صلح به منظور تامین پشتیبانی از سیاست‌های ملی و افزایش احتمال دستیابی به نتایج مطلوب برای کسب حداکثر پیروزی و حداقل شکست.³

تعریف متداول در اندیشه‌های راهبردی معاصر در آمریکا عبارت است از:

«علم، فن یا طرح برای تشکیل، تجهیز و به کارگیری نیروی نظامی یک ملت یا یک اتحاد موقتی از ملت‌ها، به منظور حفظ منافعش در برابر دشمنان بالفعل، بالقوه یا صرفاً تصویری».⁴

ژنرال آندره بوفر در توصیف دیگری از واژه راهبرد می‌گوید:

«راهبرد یک دکترین مجرد تعریف شده نیست، راهبرد شیوه تفکری است که هدف آن دسته‌بندی کردن و نظم بخشیدن به وقایع بر حسب اولویت و سپس انتخاب مؤثرترین راه‌کارهاست برای هر

1. بوفر آندره، مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه: مسعود کشاورزی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1369، ص 30.

2. سعیده، لطفیان، استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، تهران، انتشارات وزارت خارجه، 1376، ص 4.

3. علی، باقری کبورق کلیات و مبانی استراتژیک جنگ، تهران، مرکز نشر بین‌المللی، 1370، ص 194.

4. سعیده، لطفیان، سعیده، استراتژی و روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک، همان، ص 4.

وضعیتی راهبرد خاصی که منطبق با آن وضعیت است وجود خواهد داشت. هر راهبرد ممکن است برای یک وضعیت ویژه عملی‌ترین و بهترین باشد و برای سایر وضعیت‌ها بدترین¹.

در دانشنامه سیاسی نیز چنین آمده است:

راهبرد در سیاست به معنای بسیج همه امکانات و تغییر دادن شرایط در جهت مناسب برای رسیدن به یک هدف اساسی است، چنانچه بسیج و جلب همه نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای رسیدن به هدف دراز مدت ملی، مثلاً صنعتی کردن کشور با رساندن سطح رفاه و قدرت ملی به مرز نهاده شده را یک راهبرد می‌توان نامید.²

بنا به نظر باسیل لیدل — هارت³، راهبرد، هنر کاربرد و توزیع ابزارهای نظامی برای محقق ساختن اهداف سیاست است؛ به نظر هدلی بول⁴ راهبرد عبارت است از استفاده از قدرت نظامی به طوری که بتوان به اهداف ویژه سیاسی دست یافت؛ کالین گری⁵ این‌گونه بحث می‌کند که استراتژی ارتباط دادن میان قدرت نظامی و هدف سیاسی است. آندره بوفره⁶ معتقد است استراتژی یعنی هنر و فن دیالکتیکی دو اراده ستیزه‌گر که قدرت فیزیکی را برای حل مناقشه خود به کار

1. جان. ام کالینز، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، 1372، ص

147.

2. داریوش، آشوری، دانشنامه سیاسی، تهران، مروارید، 1380، ص 26.

Basil liddell – hart 3

Hedley Bull 4

Collin Gray 5

Andre Beaufre 6

می‌برد؛ در حالی که لوئیس هال مطالعات راهبردی را این‌گونه تعریف می‌کند: شاخه‌ای از مطالعات سیاسی که توجه به کاربرد سیاسی امکانات نظامی در دسترس ملت‌ها دارد.¹ با نگاهی به تعاریفی که از مفهوم راهبرد ارائه شده می‌توان دو گروه از تعاریف را از یکدیگر تمایز ساخت.

نخست برخی از تعاریف بر مفهوم جنگ و طرح‌ریزی در جنگ یا نایل شدن به اهداف جنگ و پیروزی در آن تاکید دارند. کلازویتس راهبرد را فن تداریک جنگ‌ها و ترسیم طرح‌ها و نقشه‌های کلی برای جنگ می‌دانست.²

دوم، بخش دیگر از تعاریف (تعاریف جدیدتر) راهبرد را بهره‌گیری از توان و امکانات نظامی در جهت رسیدن به اهداف سیاسی معنا می‌کنند.

یاد آوری این مطلب ضروری است که استراتژی دارای مراحل ذیل می‌باشد: اهداف، تاکتیک و لجستیک این مراحل نیز ناظر به پیشینه نظامی این اصطلاح می‌باشند و یا به عبارتی از سه عنصر اهداف، راه‌ها و ابزارها تشکیل می‌شود.

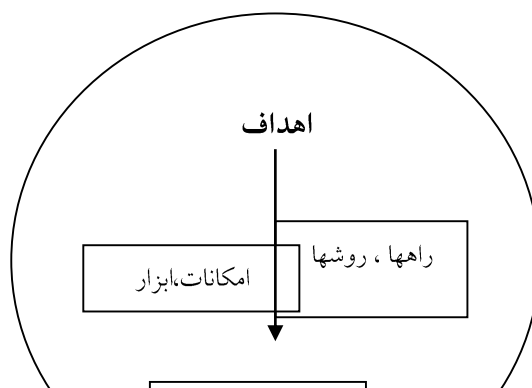
با توجه به آنچه گذشت راهبرد را می‌توان عملیاتی دانست که از طریق به کارگیری و استخدام منابع به دنبال تحقق اهداف مورد نظر است. به عبارتی می‌توان گفت: «استراتژی، فن مدیریت و هدایت کلیه منابع جامعه در جهت تحقق و نیل به هدف [اهداف] مشخص است».³

در سیاست به معنای بسیج همه امکانات و تغییر دادن شرایط در جهت مناسب برای رسیدن به یک هدف اساسی است. استراتژی برابر با روش کلی برای رسیدن به هدفی کلی است. ولی برای رسیدن به هر هدف کلی می‌باید از مراحل گذشت. روش گذار از هر یک از مرحله‌ها و مانع‌ها را تاکتیک گویند.⁴

بنابراین مفهوم راهبرد «تدوین دکترین و طرح‌هایی برای توسعه نیرو، کلیه فعالیت‌های تئوریک و علمی کشور به منظور فراهم آوردن منابع و نیروی لازم جهت دستیابی به اهداف کشور در هماهنگی با ابعاد سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک است».⁵

به عبارتی ساده‌تر آنچه یک تصمیم را استراتژیک می‌سازد. پیامدهای سیاسی است که در ورای آن قرار دارد. استراتژی بر این اساس به بررسی ابزارها و نسبت آن‌ها با اهداف اختصاص دارد.

فرایند راهبرد را می‌توان در قالب شکل زیر ترسیم نمود.⁶



شکل 1. فرآیند راهبرد

راهبرد خواه فن مدیریت و هدایت کلیه منابع جامعه در جهت تحقق و نیل به هدف مشخص و خواه در برنامه‌ای که نظام با استفاده از همه امکانات خود می‌خواهد به اهداف حیاتی برسد و یا هر تعریف دیگری داشته باشد، حاکی از برنامه و طرحی مشخص برای رسیدن به هدفی مشخص است. اهمیت وجود راهبرد از این حقیقت ناشی می‌شود که ابزارهای مختلف سیاسی اقتصادی و نظامی یک ملت با وجود کاربردهای مختلف باید به طور کلی در راستای یک هدف مشخص و مشترک سیاسی مورد استفاده قرار گیرند و وظیفه راهبرد پیدا کردن بهترین راهی است که این همه را در یک نقطه به هم برساند.⁷

-
1. کریگ اسنایدر، امنیت و راهبرد در جهان معاصر، ترجمه عسکری اکبر و فرشاد امیری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1385، صص 17 - 18.
 2. امیرحسین، علینقی، جایگاه امنیت در استراتژی ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، س 16: تابستان 1381.
 3. برگرفته کلاهچیان، محمود، «الگوی طراحی استراتژی ملی در جمهوری اسلامی ایران، در: استراتژی امنیت ملی ج.ا. ایران، تهران پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1378، ص 67.
 4. ناصر، ثقفی عامری، استراتژی در فرآیند تحول، در: مجموعه مقالات اولین سمینار تحول مفاهیم، علی قادری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، 1370، ص 216.
 5. داریوش آشوری، همان، ر.ک واژه Strategy .
 6. محمود کلاهچیان، الگوی طراحی استراتژی ملی در جمهوری اسلامی ایران، در: استراتژی امنیت ملی ج.ا. ایران، همان، ص 68.
 7. جان پیترز، معماری نظامی آمریکا بر پایه نظم نوین جهانی، ترجمه: سیدحسین محمدی‌نجم، تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، 1378، ص 202.

2. مفهوم امنیت

امنیت، مطلوب دیرینه و دغدغه همیشگی بشریت بوده و رفتار امنیت جویانه انسان‌ها و جوامع از تاریخی کهن و به قدمت آغاز حیات انسان برخوردار است. بلکه دارای قدمتی کهن‌تر از مفهوم اجتماع و جامعه است.¹

اما مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی پیرامون آن به خصوص پس از ترکیب آن با واژه‌های همچون: ملی، منطقه و... به منزله اصطلاحی نوین و حوزه مطالعاتی خاص، زمینه‌ای جدید به شمار رفته و از قدمت چندانی برخوردار نیست و خاستگاه آن به لحاظ تاریخی به پیدایش و تکوین دولت - ملت به مثابه واحد نوین تحلیل سیاست و روابط بین‌الملل باز می‌گردد.

مفهوم امنیت، مصادیق خود را از گفتمان‌های گوناگون می‌جوید² از این رو پیوسته مشمول عدم ثبات و سیالیت شکلی و ماهوی³ است. از چنین منظری است که گفتمان‌های امنیتی در جامعه از درون داده‌های تحمیل شده از محیط داخلی و خارجی سیستم تاثیر می‌پذیرد با بروز متغیرهای نو، امنیت نیاز باز تعریف دارد.

1. محمدرضا، تاجیک، قدرت و امنیت در عصر پسا مدرن، گفتمان، شماره صفر، بهار 1377، ص 117.

2. محمدرضا، تاجیک، مقدمه‌ای بر استراتژی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول رهیافت‌ها و راهبردها، تهران: فرهنگ گفتمان، 1380، ص 31.

3. مراد، کاویانی راد، امنیت ملی از منظر جغرافیای سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال 7 زمستان 1383 شماره 26، 670.

تاکنون در گستره مفهومی و مصداقی امنیت تعاریف مختلفی ارائه شده و با اعتراف به این واقعیت که گفتمان امنیت از فردای جنگ سرد وارد عرصه تازه‌ای گردیده است از اجتماع عمومی‌ای برخوردار است.

1-2. معنای لغوی امنیت

از نظر لغوی امنیت دارای معانی متعددی می‌باشد از جمله امنیت به معنای «رهایی از خطر یا مخاطرات و یا لطمات، ایمنی روانی، رهایی از هراس و تردید، مشوش نبودن یا فقدان عدم اطمینان نبودن احتمال ناکامی، چیزی که ایمنی می‌دهد و اطمینان می‌بخشد. رهایی از خطر یا مخاطره، ایمنی، رهایی از تردید، تشویش یا هراس، اطمینان، چیزی که برای اطمینان از اجرای تعهد به ودیعه گذاشته شده است و وثیقه»¹.

ریشه لاتین کلمه (Security) واژه (Securus) است که در لفظ به معنای «بدون دغدغه» می‌باشد. همچنین امنیت عبارت از «محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید»² در فرهنگ لغات، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است. به عنوان مثال در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی³ تعریف شده است. علاوه بر این در فرهنگ عمید، ایمنی و آرامش و آسودگی⁴ و در فرهنگ «المنجد» اطمینان و آرامش خاطر⁵ معنا شده است.

در مجموع می‌توان «مفهوم امنیت» را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این

1. Morris, William, The American Heritage Dictionary of the English Language, Boston, Houghton Mifflin Co.p. 1173.

به نقل از کلهر، رضا، به سوی جامعه‌شناسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال 8، ش 2، تابستان 84، شماره مسلسل 28، ص 286

2. باری، بوزان، مردم، دولتها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1378، ص 52.

3. فرهنگ معین، 1363، ص 352.

4. فرهنگ عمید، 1379، ص 233.

5. فرهنگ المنجد، 1973، ص 81.

حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری و فقر، حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین می‌برد تعریف کرد.

2-2. تعاریف امنیت:

با توجه به آنچه گذشت به برخی از تعاریفی که از این مفهوم وجود دارد اشاره می‌شود.

«امنیت اصطلاحی است مشعر بر فقدان تهدید به ارزش‌های نادر»،¹ «وضعیتی است که در آن ارزش‌هایی که از دید تصمیم‌سازان برای بقاء و بهتر زیستن جامعه حیاتی است مورد حمایت و تقویت قرار می‌گیرند.»² و واقع‌گرایان نیز از امنیت چنین تعریف دارند. که امنیت عبارت است از توان دولت برای صیانت از مرزها و حاکمیت ملی‌اش جهت انجام دادن هر آنچه که اجرای آن را به صلاح می‌داند. مفهوم امنیت غالباً بر حسب روابط قدرت میان دولت‌ها و حتی به نحو مشخص‌تر به عنوان دفاع نظامی در برابر تهدیدات خارجی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

این برداشت محدود و رایج از امنیت، منحصراً به حوزه نظامی یا به شکل کلی‌تر به موضوع حفظ تمامیت ارضی کشور یا صرفاً ایمنی و دوام فیزیکی یک حکومت خاص در برابر تهدیداتی که بالقوه خشونت‌آمیزند باز می‌گردد. امروزه تعریف‌های از این دست در حال رنگ باختن است زیرا معمولاً به دست کم گرفتن سایر مولفه‌های امنیت و پایین آوردن عوامل اجتماعی، اقتصادی تا سطح داده‌های ثانویه یا تقلیل دادن آن‌ها به عواملی که به نحو غیرمستقیم بر دولت و ثبات آن مؤثرند، منجر می‌شود.³ در تعریف دیگر امنیت رهایی از تهدید است و لازمه بی‌اثر شدن تهدید فقدان آسیب‌پذیری است. به عبارتی دیگر امنیت و عدم امنیت برآیندی از تلفیق دو عامل‌اند: تهدیدها و آسیب‌پذیری‌ها. البته تفکیک مطلق این دو چندان معنادار نیست، زیرا این دو در نسبت با یکدیگر است که حیات می‌یابند. در نتیجه امروزه می‌گویند: امنیت، پدیده‌ای است جهان‌شمول، مجموعه‌ای است از فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، تبلیغاتی و منابع محیط.⁴

1. غلامرضا، علی بابایی، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، 1383، ص 31.

2. روی، پل، معمای امنیت اجتماعی، ترجمه: منیژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم، پاییز 1382، ص 26.

3. ی. سابق، امنیت در کشورهای در حال توسعه رویارویی با سده بیست و یکم، ترجمه: مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، 1377، ص 17.

4. عزت‌الله عزتی، گفت‌وگو: ایران لوای امنیت جهان در قرن 21، روزنامه خراسان، 13/4/1379.

این پدیده‌ها اگر اهدافشان با هم هماهنگ عمل کنند، نتیجه این هماهنگی اهداف، یک فضای امن جهانی خواهد بود. و امنیتی که با این وصف تولید می‌گردد یک امنیت پایدار است و هزینه‌اش نیز در نسبت با امنیت قبلی کمتر است.

امروزه مؤلفه‌های نظامی، نقش تعیین کننده خود در تامین امنیت ملی کشورها را از دست داده‌اند و عوامل دیگری همچون ملاحظات فرهنگی و اقتصادی در تضمین امنیت سهمیم گردیده‌اند کشورها به منظور تامین امنیت خود راه‌های گوناگون را برمی‌گزینند.

در مجموع امنیت از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نیست امنیت پیش از آن‌که مقوله‌ای قابل تعریف باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است؛ یعنی این اطمینان باید در ذهن توده مردم، دولت‌مردان و تصمیم‌گیران به وجود آید که برای ادامه زندگی بدون دغدغه امنیت لازم وجود دارد.¹ [یا نه]

با عنایت به مطالبی که در خصوص امنیت و مولفه‌های آن گفته شد، می‌توان گفت:

امنیت، در بعد عینی فقدان تهدیدات نسبت به ارزش‌ها و منافع و اهداف و در جهتی ذهنی، فقدان ترس از این‌که، این بنیان‌های ملی (ارزش‌ها، منافع و اهداف) مورد هجوم (فیزیکی و غیرفیزیکی) واقع بشوند را مورد سنجش قرار می‌دهد.²

3-2. تحول و تطور مفهوم امنیت

1-3-2. گفتمان اولیه از امنیت

سیر تحول مفهوم امنیت از جامعه بدوی تا جامعه جهانی و از گفتمان سنتی تا گفتمان فرامدرن نشانگر آن است که امنیت، مفهومی زمانه پرورده و زمینه‌پرورده است.³

پیش از آن‌که انسان‌ها وارد زندگی جمعی شوند نیز، امنیت به معنی حفظ بقاء و موجودیت برای آن‌ها اهمیت داشت و آنچه در این مقطع منبع و منشا اصلی تهدید به شمار می‌رفت چیزی جز طبیعت نبود. آن‌هایی که می‌توانستند بر طبیعت و محیط اطراف خویش غلبه یابند دارای امنیت و آن‌ها که این توانایی را نداشتند مغلوب طبیعت شده و بقاء و موجودیت خود را از دست می‌دادند.⁴

1. علی اصغر، محمدرضا، کاظمی، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، تهران، نشر قوس، 1379، ص 117.

2. محمدرضا، تاجیک، مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی ج.ا. ایران، همان، ص 47.

3. رضا، خلیلی، تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، س 7، ش اول، بهار 1383، ص 26.

4. ویل، دورانت، تاریخ تمدن، احمد آرام و دیگران، جلد اول، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم، 1370، ص 10.

در ادبیات کلاسیک، بر اثر فروپاشی روابط اجتماعی مبتنی بر هم‌بستگی قبیله‌ای و نیز به دلیل اهمیت ویژه زمین در کسب ثروت و تعیین سلسله مراتب نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، امنیت عینی یا به عبارت دیگر حفظ سرزمین و فقدان تجاوز نظامی برای تصرف آن از اولویت و تقدم خاصی برخوردار شد و تهدید عینی بیش از تهدید ذهنی معنا یافت.¹ در سنت کلاسیک نوعی نگرش سلبی حاکم است که امنیت به معنای فقدان تهدید دلالت دارد. در این صورت امنیت به تبع مفاهیمی چون جنگ و صلح معنادار است.

2-3-2. دوره مدرن

در دوره مدرن، بر اساس نوعی نگرش ایجابی، تاکید بر کسب قدرت و توانایی ملی است. و فقدان تهدید زمانی معنا پیدا می‌کند که یک کشور از توانایی قدرت مقاومت و پیروزی در جنگ و فراتر از این از قدرت بازدارندگی یا مقابله به مثل برخوردار باشد.

در این ادبیات علاوه بر فقدان تهدید، بر ایجاد احساس ایمنی و نیل به سطحی از اطمینان خاطر برای تحصیل و صیانت منافع ملی² از طریق کسب و حفظ قدرت و توانایی ملی نیز تاکید می‌شود. همچنین امنیت به تبع مفاهیمی چون جنگ و صلح معنادار است امنیت نیز با مفاهیمی چون قدرت، منفعت و توسعه، هم‌نشین یا حتی جایگزین می‌شود.³

2-3-3. در عصر جهانی شدن

در عصر جهانی شدن امنیت به تبع نفی حاکمیت در چارچوب مرزهای ملی و اهمیت و اولویت بخشیدن به جامعه، دولت و امنیت جهانی، مرکز ثقل امنیت را نیز از دولت به انسان و از ملی به جهانی تغییر می‌دهد.⁴

در عصر جهانی شدن امنیت مبتنی بر شکل‌گیری دولت جهانی و شکل‌گیری دولت جهانی منوط به گسترش ارتباطات جهانی در قالب جامعه شبکه‌ای است وضعیتی که مبتنی بر فروپاشی حاکمیت‌های ملی است. با فروپاشی حاکمیت‌های ملی مفاهیمی چون دولت، منفعت ملی، قدرت ملی و حتی جنگ و سلطه بین دولت‌ها بی‌معنا خواهند شد.

1. عبدالرحمن، عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ هشتم، 1380، ص 223.

2. اصغر افتخاری، «ابعاد انتظامی امنیت ملی»، در مقالاتی پیرامون امنیت ملی و نقش نیروی انتظامی، تهران، سازمان عقیدتی

سیاسی ناجا، 1379، ص 28.

3. رضا، خلیلی، پیشین، ص 21.

4. پیشین، ص 24.

در عصر فرامردن امنیت همچنین گفتمانی ایجابی است و بر اساس نگرش مثبت و تاسیسی بنا شده است.¹

تفاوت هر دوره از جهت تعریف امنیت، منشأ تهدید، ماهیت و وضعیت مفهومی با دوره دیگر بیانگر این است که معنای واحد و ویژگی‌ها و مؤلفه‌های یکسانی را نمی‌توان برای این مفهوم در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها به کار برد.

نکته دیگر که از سیر تحول و تطور مفهوم امنیت به دست می‌آید این‌که امنیت مفهومی ماهیتاً نسبی است. از این رو نمی‌توان یک تعریف مطلق از آن ارائه نمود.

از سوی دیگر مفهوم امنیت در روابط بین‌الملل تحت تأثیر فضای حاکم میان قطب‌های حاکم بوده است که از جمله می‌توان به فضای جنگ سرد میان دو قطب آمریکا و شوروی اشاره نمود.

در دوران جنگ سرد (1947 - 1989) واژه امنیت به علت ساختار نظام ژئوپولیتیکی جهان بر سه عامل جغرافیا تکیه داشت:

1. محور؛

2. ابزار؛

3. فضایی که کار در آن صورت می‌گیرد.

چون در دوران جنگ سرد محور سیاست بود و ابزارش قدرت نظامی، در نتیجه فضایش جنگ و ستیزه‌جویی بوده است. بر همین اساس در قرن بیستم ما شاهد وقوع بیش از دو‌یست جنگ هستیم، یعنی طی نوزده قرن پیش از آن تعداد جنگ نداشتیم. اینجا است که می‌گویند قرن بیستم، قرن فجایع انسانی است. چون تلفاتش بیش از 200 میلیون نفر بود. بنابراین تمام تفکرات حول محور نظامی‌گری دور می‌زد. از جمله واژه امنیت که فقط بُعد نظامی‌اش مطرح بود. تفکر، تفکر نظامی‌گری بود.²

اما پایان جنگ سرد بستر مطالعات امنیتی را به شدت تحت تأثیر قرار داد و سؤال‌های تازه به میان افکند و بدین ترتیب زمینه را برای بازاندیشی مفهوم امنیت مساعدتر ساخت.

1. ر.ک: اصغر افتخاری، «امنیت در حال گذار: تحول معنای امنیت در قرن بیست و یکم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم،

شماره 10، زمستان 1379، ص 34.

2. گفتگو با عزت‌الله عزتی، ایران‌لوی امنیت جهان در قرن 21، روزنامه خراسان 1379/4/13.

4-2. سطوح امنیت

درباره سطوح امنیت می‌توان، به سطوح متعددی اشاره نمود از جمله:

1-4-2. امنیت نظامی

امنیت نظامی به دو سطح تأثیر متقابل قابلیت‌های تهاجم و دفاع مسلحانه کشورها و برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر توجه دارد.

2-4-2. امنیت سیاسی

امنیت سیاسی به ثبات سازمانی کشورها، سیستم‌های دولت و ایدئولوژی‌هایی که به آنان مشروعیت می‌دهد.

3-4-2. امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی به دارا بودن منابع، بودجه و بازارهای ضروری جهت دستیابی به سطح قابل قبولی از رفاه و قدرت اقتصادی کشور توجه دارد.

4-4-2. امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی به حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، هویت مذهبی و ملی و آداب و رسوم در چارچوب شرایط قابل قبول برای تکامل تدریجی آن‌ها توجه می‌کند.¹ از سوی دیگر امنیت را می‌توان در سطح فرد، گروه، دولت، منطقه و نظام بین‌المللی هم مورد بررسی و مطالعه قرار داد که در این تحقیق به لحاظ موضوع رساله امنیت منطقه‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

3-4. مفهوم منطقه

ویلیام تامپسون²² تعریف از منطقه دارد در برخی از این تعریف‌ها منطقه چنان گسترده در نظر گرفته شده است که نمی‌توان مرزهای یک منطقه را از منطقه دیگر تشخیص داد. در پاره‌ای دیگر

1. B.Buzan, People, States and Fear: An Agende for International Security / Studies in the post – cold war Ear (Boulder, Co, 1991) PP 19 – 20.

به نقل از اسنایدر، کریک، امنیت و راهبرد در جهان معاصر، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ترجمه: اکبر عسکری صدر و فرشاد امیری، سال 1385، ص 124.

از تعریف‌های تامپسون منطقه چنان محدود در نظر گرفته شد که تنها یک ویژگی یا یک بعد از ابعاد منطقه مورد توجه قرار دارد ولی در همه تعاریف وی، عامل جغرافیایی وجود دارد.¹

دیوید ای. لیک و پاتریک. مورگان منطقه را مجموعه‌ای از کشورها می‌دانند که از دید جغرافیایی و ویژگی‌های مشترک_ مانند سطح توسعه، فرهنگ یا نهادهای سیاسی_ با هم در پیوندند. بر پایه این تعریف مناطق نه بر اساس یک معیار مشخص، بلکه از زاویه هدف‌های پژوهشگر از یکدیگر متمایز می‌شوند.²

از این رو «منطقه» یک محدوده جغرافیایی است برخوردار از همگنی‌های محیطی، یعنی عواملی که پدید آورنده «منطقه ژئوپولیتیک» است. و ضرورتی ندارد که تعاملات امنیتی میان همه کشورهای یک منطقه به شکل مستقیم باشد.

4. امنیت منطقه‌ای

اگر در ادبیات سیاسی مفهوم امنیت منطقه‌ای کالبد شکافی گردد، ملاحظه خواهد شد که از دو واژه منطقه و امنیت ترکیب یافته که هیچ تعریف قابل قبولی مشترکی برای آن‌ها وجود ندارد زیرا هر یک تعریف خاص خود را دارند که در عنوان ترکیبی دارای مفاهیم کلان می‌باشند. از این رو شاید بتوان گفت که «مجموعه امنیتی یعنی گروهی از دولت‌ها که علائق امنیتی اصلی آن‌ها به قدری زیاد است که امنیت ملی آن‌ها را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد».³

به طور کلی می‌توان گفت نظریات نظام‌های منطقه‌ای، مناطق را به صورت الگوهای روابط و تعاملات در داخل یک ناحیه جغرافیایی در نظر می‌گیرند که از درجه‌ای از نظم و ترتیب و انسجام برخوردارند، به گونه‌ای که تغییر در یک نقطه بر سایر نقاط تأثیر می‌گذارد.

در مجموع تحلیل‌گران عمدتاً معیارهای زیر را برای تعریف مناطق ذکر کرده‌اند:

1. خودآگاهی اعضا از اینکه آن‌ها یک منطقه را تشکیل داده و ادراکات و برداشت‌های دیگران از اینکه یک منطقه وجود دارد.

1. میرعلی محمدنژاد و محمدتقی نوروزی، فرهنگ استراتژی، تهران، سنکا، 1378، ص 243.

2. دیوید لیک ای. و پاتریک ام. مورگان، نظم‌های منطقه‌ای: امنیت سازی در جهانی نوین، ترجمه سید جلال دهقانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال 1381، ص 27.

3. باری، بوزان، مردم، دولت‌ها و هراس، پژوهشکده مطالعات راهبردی، 1378، ص 216.

2. مجاورت و نزدیکی جغرافیا.

3. شواهد و قرائنی دال بر وجود میزانی از خودمختاری و تمایز از نظام جهانی به گونه‌ای که منطقه مورد نظر در قدرت نظام مسلط، داخل و تصرف داشته و استقلال خود را به نمایش گذارد.

4. تعاملات شدید و منظم بین اعضا یا وابستگی متقابل قابل توجه آن‌ها.

5. درجه بالایی از قرابت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی.

1-4. تاریخچه امنیت منطقه‌ای

امنیت منطقه‌ای در گذشته نیز به گونه‌ای مطرح بوده است. از لحاظ نظری، می‌توان انتظار داشت که الگوی مجموعه‌های منطقه‌ای امنیت وضعیت عادی سیستم باشد. از لحاظ تاریخی، طی چند صد سال گذشته عوامل یکسانی در کار نبوده و الگوی فعلی کنونی امنیت منطقه‌ای بسیار جدید است.

از دو هزار سال پیش از ظهور اروپای بزرگ سیستم بین‌المللی در اطراف چهار حوزه بزرگ تمدنی متمرکز بود، که عبارتند از: اروپا، خاورمیانه، هند و چین. اینها همگی تقریباً با هم توازن داشتند و هر کدام کم و بیش مورد تهدید ادواری اقوام وحشی دشت‌های میان اروپا و آسیا، و همسایگان بودند. گاهی یکی از این حوزه‌ها به وحدت امپراطوری دست می‌یافت و گاهی دچار تفرقه شده و دولت‌های درون آن‌ها به جان یکدیگر می‌افتادند.

سیستم جهانی عمدتاً اروپایی — آسیایی را می‌توان از دیدگاه پویایی قدرت‌های بزرگ و مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای تحلیل کرد. گاهی امپراطوری‌های بزرگ برای به دست گرفتن کنترل مرکز یک منطقه به جدال می‌پرداختند. امپراطوری یونانی و ایرانی و سپس اسلامی و مسیحی بارها با هم برخورد کردند و هند تا حد زیادی تسلیم فتوحات اسلامی شد و تقریباً همه جا، غیر از غرب اروپا تسلیم قدرت زودگذر خان‌های مغول شدند، گاهی اوقات چیزی شبیه مجموعه امنیتی محلی وجود داشت؛ مثل دوران برخوردهای چین و هند و تجزیه اروپا بعد از سقوط امپراطوری روم غربی. الگوی معمول مداخله‌های قدرت‌های بزرگ در امور مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نیز گاهی قابل مشاهده است.

اما نکته‌ای که حائز اهمیت است اینکه محدودیت قدرت اقتصادی و نظامی معمولاً مانع از عملکرد مداوم و دراز مدت دول بزرگ در سطح وسیع و تسری قدرت آن‌ها به امور دول

کوچک‌تر می‌شد. تقریباً ظهور قدرت‌های اروپایی از قرن پانزدهم همه سیستم دنیای قدیم را تحت فشار و سلطه خود قرار داد. به تدریج که امپراطوری‌های اروپایی گسترش یافت، الگوی امنیت جهانی کمتر تابع پویش منطقه‌ای شد و تا حد زیادی تحت تأثیر رقابت‌های اروپایی قرار گرفت. فشار سیستم بین‌المللی اروپا و در مراحل بعدی فشار امپراطوری‌های استعماری ژاپن و آمریکا، باعث سرکوب بخش عمده‌ای از آنچه که در اینجا پویایی امنیتی منطقه‌ای می‌خوانیم، گردید.

گرچه در بسیاری از مناطق پویش مشخص محلی ظهور نموده و مجموعه‌های امنیتی به شکل گسترده‌ای نمود پیدا می‌کنند؛ همین امر در جنوب آفریقا که شاهد مواجهه آفریقای جنوبی و ودول خط مقدم هستیم، صادق است و به صورت بحث انگیزی در جنوب اقیانوسیه که جامعه جنوب اقیانوسیه باعث اتصال استرالیا، زلاندنو و تعداد زیادی از جزایر کوچک منطقه در یک گروه امنیتی ضعیف، مشاهده می‌شود.

آب، تعدیل‌کننده مهم مشکلات امنیتی در بین همسایگان است و این نه تنها باعث تسهیل روابط مسالمت‌آمیز در داخل گروه آ.سه. آن می‌شود بلکه به استرالیا اجازه می‌دهد که خود را از مسائل آسیای جنوب شرقی جدا کند.

اما در برخی مناطق، به خصوص در گروه متشکل از حدود بیست دولت که بین حاشیه جنوبی خاورمیانه و حاشیه شمالی مجموعه جنوب آفریقا واقع شده‌اند، هیچ‌گونه الگوی محکمی از وابستگی متقابل امنیتی منطقه‌ای ظاهر نشده است. که آسیبی جدی و اینکه چرا بدان سمت نرفتند و چنین خواسته‌ای تامین نشده است. از سویی اغلب این دولت‌ها بیش از حد ضعیف‌اند تا الگوی مستحکمی از روابط امنیتی منطقه‌ای را به نمایش بگذارند.

مطالعات نظری مربوط به امنیت منطقه‌ای به نیمه دوم قرن بیستم به ویژه اواخر این قرن برمی‌گردد که صاحب نظران امنیت منطقه‌ای تلاش نمودند تا مسأله امنیت در منطقه را با در نظر گرفتن بازیگران درون منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و نظم جهانی مطالعه نموده و الگوی تعاملی امنیت منطقه‌ای را در سطوح مختلف بیان نماید.

در این قسمت مهم‌ترین دیدگاه‌های مربوط به امنیت منطقه‌ای به صورت خلاصه جهت تمهیدات نظری رساله بیان می‌شود و از میان آن‌ها تلاش می‌گردد تا بر اساس دیدگاه نظام امنیت منطقه‌ای نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس مورد مطالعه قرار گیرد.

2-4. دیدگاه‌های مربوط به امنیت منطقه‌ای

1-2-4. امنیت دسته جمعی

از جمله طرح‌هایی که برای حفظ صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی ارائه شده، طرح امنیت دسته جمعی است. فرمول امنیت دسته جمعی را «الکساندر دوما» در کتاب سه تفنگدار بدین شرح بیان کرده است، «یکی برای همه و همه برای یکی»¹ طبق این طرح چنانچه یکی از اعضای جامعه بین‌المللی به دیگری تجاوز کند، با نیروی مشترک بقیه اعضا روبرو خواهد شد.

نظریه امنیت دسته جمعی از این حیث شبیه تئوری موازنه قواست که درصدد است نیرو را با نیرویی متقابل متوقف کند. از این رو، هم امنیت دسته جمعی و هم موازنه قوا نقش بازدارندگی را ایفا می‌کنند.

سیستم امنیت دسته جمعی از حیث میزان تمرکز قدرت و نفوذ، حد فاصل بین سیستم موازنه قوا از یک سو و حکومت جهانی² از سوی دیگر است.³

هدف امنیت دسته جمعی فراهم آوردن امنیت برای همه از طریق تامین شکست هر نیروی متجاوز است. مهم نیست که علت و منشأ تجاوز چیست، بلکه تکلیف همه دولت‌ها مقابله با تجاوز، قطع نظر از منشا و آثار آن، است. طبق تئوری امنیت دسته جمعی متجاوز با منطق یا احساسات انسان دوستانه متوقف نخواهد شد، بلکه توسط یک نیروی «برتر» مهار می‌شود⁴ لذا کشورهای جهان باید خود را متعهد سازند که در مقابل متجاوز از یکدیگر پشتیبانی کنند.

در امنیت دسته جمعی هدف کنترل برخی کشورها و آزاد گذاشتن برخی دیگر نیست هر کشوری می‌تواند متجاوز یا قربانی تجاوز باشد. لذا طبق این سیستم هر کشوری که به طور غیرقانونی از زور استفاده کند شکست خواهد خورد.

امنیت دسته جمعی غیر از امنیت مشترک است و بین آن دو تفاوت مفهومی و مصداقی وجود دارد. در سیستم امنیت دسته جمعی، اعضا متعهدند که علیه متجاوز درون سیستمی یا برون سیستمی، به یک

1. One for all and all for one.

2. World Government.

3. هوشنگ مقتدر، امنیت دسته جمعی در تئوری و عمل، فصلنامه سیاست خارجی، س 6، ش 1، 1371، ص 67.

4. همان، ص 68.

اقدام دسته جمعی مبادرت ورزند. اما امنیت مشترک سیستمی است که طی آن رفتار و اقدامات نظامی اعضا مشخص و معین شده و روش‌های مدیریت و حل کشمکش آن‌ها تعیین گردیده است. در هر صورت احتمال این‌که بتوان در آینده قابل پیش‌بینی در ناحیه مرکزی خاورمیانه و یا بین حوزه خلیج فارس و ناحیه مرکزی یک سیستم امنیت دسته جمعی برقرار کرد. بسیار بعید است گفتنی است که سیستم امنیت مشترک منطقه‌ای همکاری بیشتری را بین اعضای سیستم ممکن می‌سازد.¹

در این باره نیز قابل یادآوری است که امنیت دسته جمعی نیز با پیمان اتحاد در امنیت متفاوت می‌باشد در اتحاد امنیتی که برخی کشورها با هم پیمان و توافق کردند که برای حل اختلافات خود به زور متوسل نشوند و به طور دسته جمعی به نقض این قاعده پاسخ بدهند. اما در نظام امنیت دسته جمعی تعهد به مقابله با تجاوز نامعلوم و یا حداقل نامشخص و در حمایت از یک قربانی نامعلوم می‌باشد. اجرای امنیت دسته جمعی در سطح جهانی با مشکلات زیادی مواجه است و در سطح منطقه‌ای مصداق آن را در «ناتو» در قالب دفاع دسته جمعی می‌توان مشاهده کرد.

1. ج. مارتین، لی نور، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه: قدیر نصری، پژوهشکده راهبردی، تهران، 1383، ص 379.

شرایط و مفروضات امنیت دسته جمعی

الف) امنیت دسته‌جمعی متکی بر یک تعهد صریح نسبت به ارزش صلح جهانی توسط بیشتر کشورهاست، غیرقابل تجزیه بودن صلح جهانی باید مورد قبول دولت‌ها قرار گیرد. یک شکاف در شبکه جامعه بین‌المللی موجب شکاف در جای دیگر خواهد شد.

ب) شرط دیگر لزوم اطمینان از اجرای مجازات‌هاست اگر نسبت به اجرای مجازات‌ها تردید وجود داشته باشد و یا با اما و اگر همراه شود این امر موجب تشویق متجاوز و بی‌حرمتی نسبت به حفظ نظم بین‌المللی خواهد شد.

ج) تعهد به یک الگوی رفتار بین‌المللی که تخلف از آن جایز نیست تعهد اصلی امنیت دسته‌جمعی مبارزه کشورها برای حفظ وضع موجود است.

د) توزیع قدرت و عدم تمرکز آن در یک کشور.

ه) عضویت تمامی کشورها به ویژه قدرت‌های بزرگ در یک امنیت دسته‌جمعی.

و) کاهش تسلیحات که ابزار جنگیدن را از کشور متجاوز بالقوه می‌گیرد و در صورت وقوع جنگ تلفات و خسارت را به حداقل می‌رساند.

ز) سیستم امنیت دسته‌جمعی نیازمند یک ساختار حقوقی و تشکیلاتی است.⁵²

52. هوشنگ مقتدر، امنیت دسته‌جمعی در تئوری و عمل، همان، صص 69 - 70.

به عقیده هانس مورگنتا موفقیت امنیت دسته جمعی در صورتی امکان پذیر است که تمام کشورهای عضو، حتی در صورت تهدید امنیت یکی از کشورهای عضو، مشترکاً از وضع موجود دفاع کنند. به طوری کلی مورگنتا سه شرط عمده را برای ایجاد موفقیت امنیت جمعی در نظر می گیرد:

1. امنیت جمعی باید قادر به بسیج به موقع چنان قدرت نظامی می باشد که به هنگام تهاجم، دولت های مورد هجوم قرار گرفته بتوانند در مقابل مهاجم یا مهاجمان ایستادگی کنند بدین ترتیب وضع موجود حفظ گردد.

2. تمام کشورهای شرکت کننده در امنیت جمعی باید برداشت مشترکی از مفهوم امنیت داشته باشند.

3. کشورهای عضو باید آن دسته از منافع سیاسی ملی خود را که موجبات جدایی و شکاف بین آنها را فراهم می کنند تابع منافع مشترک کل کشورها کنند.⁵³

2-2-4. دفاع دسته جمعی⁵⁴

رایج ترین شکل امنیت منطقه ای در سده های نوزدهم و بیستم، دفاع دسته جمعی یا اتحاد بوده است. اتحادها ساختارهایی هستند که بازیگران منطقه ای تقریباً هم فکر، در چهارچوب آن علیه تهدید یا دشمن مشترک متحد می شوند.

کارکرد اتحادها اصولاً برای بازداشتن از هر نوع تجاوز یک قدرت منطقه ای رقیب است و به طور مشخص به این قدرت رقیب اعلام می شود که هر متجاوزی مجبور خواهد بود که با قدرت جمعی اعضای اتحاد و نه صرفاً با قدرت نظامی اولین قربانی روبه رو می شود.⁵⁵

در عین حال که قدرت های کوچک منطقه ای تمایل دارند به منظور بازدارندگی از تجاوز قدرت بزرگ رقیب، با قدرت های بزرگ اتحاد تشکیل دهند، قدرت های بزرگ نیز ممکن است با یک قدرت کوچک منطقه ای اتحاد تشکیل دهند تا مانع از رفتار تجاوزکارانه آن شوند.

53. Hans J. Morgenthau, *Politics among Nations: the struggle for Power and peace*, (New York: Alfred A. Knopf, 1985), P. 452.

به نقل از منصور رحمانی، دورنمای یک امنیت جمعی در خلیج فارس، 109، پیشین، سیاست خارجی، س 4، شماره 2-1، 1369.

54. Collective Defence .

55. ر.ک: کریک، اسنایدر، امنیت و راهبرد در جهان معاصر، همان، صص 159-157.

از سوی دیگر مفهوم امنیت مبتنی بر همکاری در نیمه اول دهه‌ی 1990 میلادی مورد استفاده قرار گرفت. اروپائیان بر این باور بودند که کنفرانس امنیت و همکاری اروپا جلوه‌ای از نظام امنیتی مبتنی بر همکاری است. بر اساس آنچه در اروپا اتفاق افتاد می‌توان تشخیص داد که همکاری میان کشورهای مختلف را نمی‌توان از بالا به آنها تحمیل نمود، بلکه باید آن را بر نهادها و هنجارهای مشترک که انتظار می‌رود دولت‌ها بپذیرند، استوار ساخت. این برداشت از امنیت مبتنی بر همکاری بر اساس نهادها و هنجارهای مشترک کشورها در میان دولت‌های اروپایی پس از پایان جنگ سرد، ریشه دوانید.⁵⁶

امنیت مبتنی بر همکاری در جهت تضمین این امر که تجاوز سازمان یافته نتواند به شکل گسترده آغاز شده یا ادامه یابد، طراحی شده است.

به عبارت دیگر، امنیت مبتنی بر همکاری موجب می‌شود تا جلوگیری از تهدیدات جایگزین آمادگی برای مقابله با آنها شوند و کنش‌هایی که آمادگی برای تجاوز را دشوار می‌سازند، جایگزین سیاست‌های بازدارنده‌ی تجاوز گردند.⁵⁷

3-2-4. نظام امنیت مشترک

تاکید اولیه این رهیافت بر برداشت‌های نظامی از امنیت است. اما تعریف گسترده‌تری از امنیت دارد که شامل شناسایی وابستگی متقابل امنیت همه کشورها در نظام بین‌الملل است.

مفهوم و اصطلاح نظام امنیت مشترک اولین بار در سال 1982 و در «کمیسیون مستقل امور امنیتی و خلع سلاح» مطرح شد.

از این رو کشورها باید به گونه‌ای سیاست‌های امنیتی خود را دنبال نمایند که امنیت کشورهای دیگر را تهدید نکنند زیرا نظام امنیت مشترک اساساً بر دفاع غیرتحریک‌آمیز توجه و تاکید دارد و مقصود از دفاع غیرتحریک‌آمیز توسعه صرفاً دفاعی و نه تهاجمی نیروهای نظامی است.

56. حاجی یوسفی، امیرمحمد، ایران و خاورمیانه گفتارهایی در سیاست خارجی ایران، تهران، فرهنگ گفتمان، 1383، ص 109.

57. همان، ص 110.

دیدگاه دیگری که به نظر می‌رسد از قابلیت‌های بیشتری برای بحث رساله برخوردار است، مربوط به نظام امنیت منطقه‌ای می‌باشد که به آن پرداخته می‌شود.⁵⁸

ب) چارچوب نظری

1. نظام امنیت منطقه‌ای

توسط باری بوزان⁵⁹ در کتاب «مردم، دولت‌ها و هراس» مطرح گردید و همچنین در کتاب «امنیت شبکه‌ای جدید برای تحلیل» نیز این نظریه بار دیگر توسط بوزان و ویور به همراه برخی جرح و تعدیل‌ها آورده شد. به دنبال طرح و تکمیل این تئوری برای تجزیه و تحلیل وضعیت امنیتی برخی از مناطق از جمله اروپا، خاورمیانه، جنوب آسیا مورد استفاده قرار گرفت.

محمد ایوب (1995)، بوزان و همکارانش (1990) بوزان و ویور⁶⁰ (1992) ولیک و مورگان⁶¹ (1997) مهم‌ترین نظریه‌پردازانی بودند که از این نظریه در مطالعات موردی بهره‌برداری نمودند.⁶²

بوزان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به صورت یک دسته از کشورها با شبکه‌ای از روابط امنیتی تمایز و مهم — که تضمین می‌کند اعضاء دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند — توصیف می‌کند؛⁶³ بنابراین عنصر مرکزی و محوری در یک مجموعه امنیتی (RSC) روابط امنیتی آن و مؤلفه‌های وابستگی متقابل است که به امنیت مربوط می‌شود. همو در جای دیگر معتقد است مجموعه امنیتی یعنی گروهی از دولت‌ها که علائق امنیتی اصلی آن‌ها به قدری زیاد است که امنیت ملی آن‌ها را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد.⁶⁴

58. رک: اشنایدر، کریک، همان، ص 167 _ 166 _ 165.

59. Barry Buzan, (People, state and Fear)

60. Ol waver.

61. Davaid A.lake and Patrick M.Morgan.

62. عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت، جلد اول، تهران، مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر، 1382، ص 274.

63. دیوید ای لیک. وپاتریک ام. مورگان، همان، ص 46.

64. باری، بوزان، همان، ص 216.

و در نگاهی دیگر یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای به صورت یک دسته از کشورها که مستمراً تأثیر یک یا چند عامل خارجی امنیتی قرار می‌گیرند،⁶⁵ تعریف می‌شود. به طور کلی، نظریات نظام‌های منطقه‌ای، مناطق را به صورت الگوهای روابط و تعاملات در داخل یک ناحیه جغرافیایی در نظر می‌گیرند که «از درجه‌ای از نظم و ترتیب و انسجام برخوردارند، به گونه‌ای که تغییر در یک نقطه بر سایر نقاط تأثیر می‌گذارد».⁶⁶

دیدگاه‌ها

1-1. دیدگاه باری بوزان و ویور

در این دیدگاه می‌توان معیارها و شاخص‌های ذیل را برای نظام منطقه‌ای استخراج کرد:

1. وابستگی متقابل شدید امنیتی.

2. الگوهای دوستی و دشمنی.

3. مجاورت.

4. وجود حداقل دو بازیگر.

5. استقلال نسبی.⁶⁷

ملاک‌های موجودیت یک مجموعه امنیتی منطقه به صورت خلاصه بررسی می‌شود.

— مراد از وابستگی متقابل شدید امنیتی آن است که تغییر و تحولات امنیتی در هر یک از واحدهای مجموعه بر دیگر واحدها نیز تأثیر می‌گذارد این وابستگی متقابل امنیتی می‌تواند مثبت و یا منفی باشد یعنی اندرون آن همکاری امنیتی یا منازعه امنیتی وجود داشته باشد. یا به بیان دیگر ناامنی در یک مجموعه موجب ناامنی در مجموعه‌ای دیگر گردد (مثبت) و یا بهبود شرایط امنیتی و ازدیاد قدرت در یک واحد تأثیری منفی بر روی امنیت ملی واحد دیگر داشته باشد (منفی).

65. لیک دیوید ای. وپاتریک ام. مورگان، همان، ص 27.

66. همان.

67. ر.ک: عبدالله خانی، علی، نظریه‌های امنیت.

یک مجموعه امنیتی متشکل از کشورهای است که روابط میان اعضا طیفی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا حفاظت وجود داشته باشد. و یا طیفی از دشمنی که منظور روابطی است که در آن سوءظن و هراس حاکم باشد.⁶⁸

در حد فاصل میان دوستی و دشمنی «بی تفاوتی» یا «بی طرفی» قرار دارد که در آن دوستی و دشمنی یا به اندازه ای ضعیف است که چندان به حساب نمی آید و یا به قدری به هم آمیخته که گرایش آشکاری به هیچ طرف ندارد. لذا چنانچه ارتباط امنیتی دو یا چند کشور که در حد فاصل بی تفاوتی و بی طرف قرار داشته باشد. آن کشورها نمی توانند تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی باشند. بنابراین تشکیل مجموعه ای امنیتی باید بر اساس ارتباط امنیتی متأثر از دوستی یا دشمنی باشد.

معیار مجاورت، مجموعه امنیتی منطقه ای ناشی از کنش و واکنش دولت های منفرد است و نشان دهنده نگرش هر دولت به محیط خود و رابطه آن با شدت تهدیدات سیاسی و نظامی و نزدیک آن از لحاظ محدوده دامنه ملاحظات امنیتی است، لذا با توجه به این که تهدیدات در فاصله های نزدیک نمود جدی تر دارد، مجموعه امنیتی از دولت هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند، پدید می آید.⁶⁹

چهارمین معیار «وجود حداقل دو بازیگر مؤثر» در نظر گرفته شده است. مطابق با این معیار نمی توان یک مجموعه امنیتی را بدون حداقل دو بازیگر قدرتمند و مؤثر منطقه ای تصور کرد.

این معیار ما را به این حقیقت رهنمون می سازد که مجموعه امنیتی منطقه ای نمی تواند توسط تعدادی کشور ضعیف از یک منطقه شکل بگیرد. اما شکل گیری آن با حضور حداقل دو قدرت منطقه ای مؤثر و چندین کشور ضعیف امکان پذیر است. زیرا کشورهای ضعیف نمی توانند دارای تأثیرات منطقه ای باشند و عمدتاً مسائل امنیتی آنان در سطح داخلی تعریف می شود. بنابراین عملاً امکان شکل گیری یک مجموعه امنیتی متصور نخواهد بود.

در کنار مجاورت، مسأله حضور قدرت های بزرگ در مجموعه های امنیتی منطقه نکته حائز اهمیت است سؤالی که در اینجا می توان مطرح کرد این است که آیا یک قدرت بزرگ خارج از منطقه می تواند

68. همان، ص 215.

69. علی، عبدالله خانی، نظریه های امنیت، همان، ص 280.

یکی از اعضای مجموعه امنیتی منطقه باشد؟ بله اگر حضور یک قدرت در حد ملاحظه یک قدرت بزرگ در مجموعه امنیتی باشد امکان پذیر است. اما چنانچه این حضور و مداخله بیش از حد باشد یک حضور مستقیم نظامی گسترده را شامل شده منجر به غلبه بر پویش های منطقه ای می گردد لذا چنین مداخله ای عملاً امکان موجودیت یافتن یک مجموعه امنیتی را سلب می نماید.⁷⁰

2-1. کانتوری و اشیپگل

کانتوری و اشیپگل نیز از چهار متغیر الگویی نام می برند که جریان های گوناگون منطقه ای را تعیین می کند

و سبب تمایز آن ها از یکدیگر می شود.

1. ماهیت و سطح همبستگی یا میزان همانندی یا مکمل بودن: از این رو هرچه همبستگی یا همانندی واحدها بیشتر باشد. شرایط برای برپایی یک نظام منطقه ای مساعدتر است.

2. سطح قدرت در نظام تابع: این متغیر به سطح قدرت بازیگران منطقه ای بازمی گردد قدرت هر یک از بازیگران منطقه ای، نقش کلیدی در معادلات درون منطقه ای دارد. از نظر سطح قدرت، بازیگران سه دسته اند.

الف) بازیگرانی که نقش موثر در نظام منطقه ای خود بازی می کنند، مانند ایران، عربستان، عراق.
ب) بازیگرانی که توانایی آن ها برای اثرگذاری در نظام منطقه ای محدود است. مانند: کویت، عمان، بحرین، امارات متحده عربی.

ج) بازیگرانی که توانایی ایجاد دگرگونی در نظام منطقه ای خود را ندارند.

3. چگونگی ارتباط بین نظام تابع و نظام مسلط، این ارتباطات در چارچوب مناسبات دیپلماتیک روابط اقتصادی، بازرگانی، مبادلات فرهنگی، ترابری و رسانه های همگانی پدیدار می شود.

برخی از بازیگران منطقه ای ممکن است پیوندهای بسیار نزدیکی با نظام داشته باشند یا برعکس بازیگرانی که مناسبات آن ها با نظام مسلط دوستانه نباشد.

4. ساختار روابط درون منطقه‌ای با توجه به بیگانگی بازیگران از یکدیگر و نابرابری آن‌ها در بهره‌مندی از قدرت، می‌توان انتظار داشت که ساختار روابط بازیگران بیشتر به وابستگی یک سویه نزدیک باشد، تا وابستگی متقابل؛ اما این نابرابری در قدرت قانون عام نیست.⁷¹

3-1. تامپسون

از دیدگاه تامپسون نیز چهار شرط لازم برای وجود نظام‌های منطقه‌ای وجود دارد:

1. الگوی روابط یا تعاملات بازیگران، درجه خاصی از نظم و نسق را به نمایش می‌گذارد، به طوری که تغییر در یک نقطه از نظام تابع بر دیگر نقاط آن تأثیر می‌گذارد.
 2. بازیگران عموماً در مجاورت و نزدیک به یکدیگرند.
 3. ناظران و بازیگران داخلی و خارجی، نظام تابع را به صورت یک ناحیه یا «صحنه عملیات» مجزا می‌شناسند.
 4. نظام تابع، منطقاً متشکل از حداقل دو یا به احتمال قوی تعداد بیشتری از بازیگران می‌باشد.⁷² به طور خلاصه می‌توان گفت که اصل آن است که خود کشورها و طرف‌های خارجی بر این اعتقاد که آن‌ها منطقه‌ای را تشکیل داده‌اند. به عبارتی مناطق آن چیزی است که کشورها آن را می‌سازند. فراتر از این، این خودفهمی است که بر رفتارهای قابل مشاهده تأثیر می‌گذارد یا آن‌ها را ایجاد می‌کند.
- از طرفی تامپسون علاوه بر ویژگی‌های که دیگران برای نظام‌های منطقه ذکر کردند دو ویژگی را نیز می‌افزاید.

1. وجود زمینه‌های همگرایی تاریخی، اجتماعی، فرهنگی و زبانی و قومی مشترک.
2. وابستگی متقابل فعال میان اعضاء به گونه‌ای که ضمن ایجاد آسیب‌پذیری متقابل، حساسیت‌های لازم را برای ایجاد همگرایی میان آن‌ها فراهم آورد.⁷³

.ر.ک: جلیل روشندل، و حسین سیف زاده، تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی مطالعات 71

استراتژیک خاورمیانه، 1374، صص 20 - 19.

72. دیوید ای لیک، همان، صص 76 - 75.

73. جلیل روشندل، و دیوید ایسیف‌زاده، همان، ص 17.

4-1. دیوید ای. لیک

دیوید ای. لیک با اشاره به نقاط ضعف رهیافت بوزان و تامپسون معتقد است که تعریف تامپسون و مفهوم‌سازی بوزان از درک و تشخیص شایسته چگونگی تمایز تعاملات منطقه‌ای از تعاملات جهانی، عاجز است⁷⁴ وی در ادامه نظریه منطقه‌ای را که بر اساس عوامل خارجی محلی تکیه دارد، به دست می‌دهد.

1-4-1. نقش عوامل مؤثر خارجی

وی نظام منطقه‌ای را به صورت مجموعه از کشورها تعریف می‌کند که حداقل از یک عامل خارجی بینامرزی ولی محلی که از یک ناحیه جغرافیایی خاص ناشی شده تأثیر پذیرفته باشد. اگر یک عامل خارجی محلی موجب تهدیدی بالفعل یا بالقوه برضد سلامت و امنیت فیزیکی افراد یا حکومت‌ها در کشورهای دیگر گردد، در این صورت یک نظام یا مجتمع منطقه‌ای ایجاد می‌شود.

گفتنی است که همه عوامل خارجی محلی چنین تهدیداتی را بر ضد امنیت فیزیکی به وجود نمی‌آورند. بلکه حوادث خارجی محلی‌ای که برای امنیت فیزیکی تهدید ایجاد می‌کنند، حد و مرز مجموعه کشورهای متعامل که نظام‌های امنیتی منطقه‌ای را تشکیل می‌دهند، مشخص کرده و به هم پیوند می‌زند.⁷⁵

عوامل خارجی بینامرزی، بر بیش از یک کشور تأثیر می‌گذارند. بنابراین ذاتاً سیاسی و راهبردی هستند. کشورها برای مقابله و مواجهه با عوامل خارجی منفی یا برای ایجاد عوامل خارجی مثبت باید کنش و واکنش سایر کشورها را مدنظر قرار دهند. این نوع وابستگی متقابل است که یک نظام را خلق می‌کند. یا این ماهیت محلی شده بسیاری از عوامل خارجی است که نظام‌های منطقه‌ای را می‌آفریند و این عوامل خارجی امنیتی است که مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای را تعریف و تعیین می‌کند.⁷⁶

74. دیوید ای. لیک. وپاتریک ام. مورگان، همان، ص 70.

75. همان، ص 77 - 78.

76. ر.ک: لیک دیوید ای. وپاتریک ام. مورگان، همان، ص 82.

عوامل خارجی دارای هزینه‌ها و منافع هستند که تنها به کشورهایی که آنان را خلق کرده‌اند، تعلق نمی‌گیرد.⁷⁷ از سویی بسیاری از عوامل خارجی از نظر تأثیرات جهانی بوده و هزینه‌هایی را به صورت بالفعل یا بالقوه بر همه کشورها تحمیل می‌کنند.

2-4-1. عوامل امنیتی خارجی

کشورها هنگام خلق مجموعه امنیتی منفی یا مثبت هزینه یا سود کامل دریافت نمی‌کنند. دیگر اینکه در صورت وجود عوامل خارجی، هزینه‌ها یا منافع منطقه‌ای یا «اجتماعی» از مخارج و منافع ملی بزرگ‌ترند. با این وجود عوامل خارجی امنیتی از سه جنبه متمایز می‌شوند که عملاً بر نظم منطقه‌ای تأثیر می‌گذارند.

1. از نظر اهمیت و نفوذ که بر حسب مخارج تحمیلی بر دیگر کشورها تعریف می‌شود، با هم فرق می‌کنند. لذا عامل خارجی هرچه بزرگ‌تر باشد تأثیر بیشتر بر اقدام و کنش کشور می‌گذارد. از طرف دیگر هرچه یک عامل خارجی منفی یا تولید عامل خارجی مثبت، پرهزینه‌تر باشد، احتمال کمتری می‌رود که کشورها به صورت موفقیت‌آمیزی رفتار فردی یا جمعی خود را به نحو مطلوب تعدیل و اصلاح کنند.

2. عوامل خارجی بر اساس چگونگی توزیع تأثیر انسان در بین کشورهای مربوطه با هم فرق می‌کنند بدون شک تأثیر آن‌ها بر بعضی از کشورها بیشتر و بر برخی دیگر کمتر است. این تأثیرات توزیعی ممکن است معلول جغرافیا، مخصوصاً مجاورت و نزدیکی باشد.

3. کشورها با تعداد مختلفی از عوامل خارجی امنیتی روبه‌رو هستند. مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای یک عامل خارجی واحد، از آن‌هایی که دارای چندین عامل خارجی هستند، متمایز می‌شوند. نظام‌های منطقه‌ای متراکم با عوامل خارجی امنیتی متعدد، مجال بیشتری برای راهبردهای پیوند تاکتیکی و همکاری مشروط دارند.

در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای متراکم همچنین احتمال بیشتری می‌رود که کشورها برای تنظیم روابط خود نهادها یا رژیم‌هایی را تشکیل دهند و هزینه‌های ثابت برای تاسیس نهادها را در بین تعداد

زیادتری از کشورها تقسیم کنند، در حالی که در نظام‌های منطقه‌ای ضعیف کشورها مایل به مذاکره در مورد توافقات ویژه هستند.

کشور B	کشور A	کشور D
کشور C		کشور E

A: مناطق به هم پیوسته و متصل کشور A به مناطق 1 و 2 است. 78

در خصوص شکل A باید گفت که اگر یک کشور با دو (یا بیشتر) دسته متمایز از کشورها در یک عامل خارجی یکسان سهیم و مشترک باشد، یک نظام امنیتی منطقه‌ای هم‌بسته تشکیل می‌شود. در این تصویر کشور A متعلق به دو مجموعه امنیتی منطقه‌ای متفاوت است.

3-4-1. ساختار نظام‌های منطقه‌ای

نظام‌های امنیتی منطقه‌ای تحت تأثیر ساختارشان قرار می‌گیرند و از سوی ساختارهای منطقه‌ای تأثیر مهمی بر نظم‌های منطقه‌ای می‌گذارند.

مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای خودشان در داخل مجموعه امنیتی جهانی بزرگ‌تر قرار می‌گیرند؛
 - نظام‌های منطقه‌ای تک قطبی نسبتاً خودمختارند و طبق نظریه ثبات هژمونیک، عوامل خارجی امنیتی منفی را آسان‌تر اداره کرده و عوامل خارجی مثبت را خلق می‌کنند.
 - نظام‌های منطقه‌ای چند قطبی نسبتاً خود مختار خواهند بود اما با مشکلات مدیریت منازعه دست به گریبانند، همکاری در صورت وقوع، به احتمال زیاد بین تعداد کمی از قدرت‌های شدیداً تأثیر پذیرفته در منطقه شکل می‌گیرد. این امر باعث خلق کنسرت‌ها می‌شود تا این‌که مدیریت‌های امنیتی دسته جمعی را تولید کند.

— نظام‌های منطقه‌ای دو قطبی نسبتاً رقابت آمیز خواهند بود. قطب‌های منطقه‌ای نیز به احتمال زیاد برای گرفتن کمک و مساعدت به قدرت‌های خارجی متوسل می‌شوند که از این طریق حس مداخله‌گر را تحریک کرده و در نتیجه خودمختاری منطقه‌ای کاهش می‌یابد.

4-4-1. ساختار نظام‌های جهانی

اگرچه نظام جهانی از نظام‌های امنیتی منطقه‌ای متمایز است اما می‌توان از آن انتظار تاثیرگذاری بر نظم منطقه‌ای را نیز داشت. نظام جهانی فی نفسه احتمال می‌رود تأثیرات مهمی بر نتایج منطقه‌ای داشته باشد. نظام‌های دو قطبی متمایل به جهانی کردن مناقشات منطقه‌ای دارند. به علت رقابت شدید و دل‌مشغولی‌های تهییج شده برای شهرت و اعتبار، منافع جزئی ابرقدرت‌ها در منطقه تبدیل به منافع مهم و عمده می‌شود و هنگامی که قدرت‌های خارجی در منطقه درگیر می‌شوند، احتمال می‌رود که منابع بیشتری را به سوی بازیگران منطقه‌ای سرازیر کرده، مناقشات را تغذیه کرده و بدین ترتیب دامنه منازعه را به فراسوی سطوح محلی دهند.

از سوی دیگر که چند قطبی و تک قطبی بودن جهانی، فرصت و مجال بیشتری برای مداخله قدرت‌های بزرگ (که از مسائل داخلی نشأت گرفته است) ایجاد می‌کند. هیچ دلیل خاصی وجود ندارد که انتظار داشته باشیم این اقدامات شخصیتی و محدود شده به «ثبات» نظام‌های منطقه‌ای یا جهانی کمک کنند.

اگرچه احتمال بیشتر می‌رود که نظام‌های امنیتی منطقه‌ای در نظام‌های جهانی چندقطبی و تک‌قطبی خودمختار باقی بمانند. اما آن مداخلاتی که صورت می‌گیرد، محتمل‌تر است که از انگیزه‌های سیاسی شخصی ناشی شوند که دارای پیامدهای ناشناخته‌ای برای نظم منطقه‌ای است.⁷⁹

سخن آخر این که ساختارهای نظام جهانی و منطقه‌ای در تعیین نظم منطقه‌ای و میزان سطح مناقشه که از آن ناشی می‌شود با هم تعامل دارند.

5-4-1. مداخله قدرت‌های بزرگ

مداخله قدرت‌های بزرگ در مناقشات منطقه‌ای، نقش محوری در مناظرات سیاسی جاری دارد. قدرت نظامی کشورهای بزرگ دارای برد جهانی است؛ آن‌ها قادر به گسیل و استقرار نیرو در سراسر جهان هستند و در نتیجه می‌توانند در هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای که موافق و مناسب منافعشان باشد، مداخله کنند. تمایل قدرت‌های بزرگ برای مدیریت مناقشات منطقه‌ای و مشارکت در ایجاد نظم منطقه‌ای مشروط و موکول به این است که آن‌ها تا چه میزان تحت تأثیر عوامل خارجی امنیتی که از آن منطقه ناشی می‌شود، قرار می‌گیرند.⁸⁰

مطلب دیگر این‌که قدرت‌های بزرگ به هر حال ممکن است در بیش از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای قرار بگیرند و بنابراین حتی بعد از نظام دوقطبی و جنگ سرد نیز دل‌نگران حسن سابقه و شهرت خود باشند.

قدرت‌های بزرگی که خارج از مجموعه امنیتی منطقه‌ای قرار دارند. بنا به دلایلی احتمال نمی‌رود که در منطقه مداخله کنند، مگر هنگامی که عوامل داخلی و شخصی آن‌ها برانگیخته باشد که این امر تبعات و پیامدهایی به همراه دارد.

یک نتیجه فرعی این است که سازمان ملل با ساختار و نهادهای موجود، غالباً از ایفای نقش مؤثر در اداره مدیریت مناسبات و روابط منطقه ناکام خواهد ماند.

برای مدیریت مناقشه منطقه‌ای یا ارتقای همکاری منطقه‌ای نمی‌توان بر قدرت‌های بزرگ اعتماد و تکیه کرد کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید بازیگران اصلی در ایجاد نظم منطقه‌ای باشند.

از سوی از دید مورگان و لیک ویژگی‌های نظام منطقه‌ای چنین است.

1. نزدیکی جغرافیایی کشورهای منطقه به یکدیگر.

2. همانندیهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در میان کشورهای منطقه.

3. تماس‌ها و تعاملات مداوم میان اعضا.

4. وجود گونه‌ای احساس خودمختاری و تمایز میان اعضا نسبت به نظام جهانی.

5. خودآگاهی کشورهای منطقه از شکل‌گیری نظام منطقه‌ای و پذیرش این نظام از سوی کشورهای

بیرون از منطقه.⁸¹

در جمع‌بندی می‌توان گفت عمده‌ترین متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای عبارت است

از:

1. موقعیت جغرافیایی، منظور تنها گستردگی یک منطقه و همسایگی چند کشور با یکدیگر نیست،

بلکه عناصر گوناگون مانند مرزها، آب و هوا، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها نیز در این میان مطرح است.

متغیر جغرافیایی می‌تواند منافع مشترک یا متضاد برای کشورهای منطقه پدید آورد که این به

شکل‌گیری یک نظام منطقه‌ای کمک می‌کند. خلیج فارس برای کشورهای کرانه‌ای آن نظام منطقه‌ای

خلیج فارس را پدید آورده است.

2. عوامل گوناگون سیاسی، ایدئولوژیک و امنیتی در پیدایش یک هویت پویای سیاسی اثرگذار است

و همانندیاها یا تضاد در میان دولت‌های یک منطقه زمینه را برای پدید آمدن یک نظام منطقه‌ای فراهم

می‌کند. دولت‌های دموکراتیک در برابر دولت‌های اقتدارگرا، با یکدیگر همسویی دارند. این مسأله در

شکل‌گیری نظام منطقه اهمیت بسیار دارد.

3. پیوندهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، قومی، زبانی، مذهبی و نژادی در پیدایش نظام‌های منطقه‌ای

نقش اساسی دارد. همچنین نیازهای اقتصادی کشورهای یک منطقه به یکدیگر می‌تواند زمینه‌ساز یک

نظام منطقه‌ای باشد.⁸²

با توجه به مباحث مطرح شده برای بحث رساله در باره نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس می‌توان از

معیارهای زیر استفاده کرد:

1. توزیع منابع طبیعی و انسانی در منطقه خلیج فارس، بدون تردید این منطقه در زمره مناطق غنی در

منابع نفت و گاز طبیعی دنیا به شمار می‌آید.

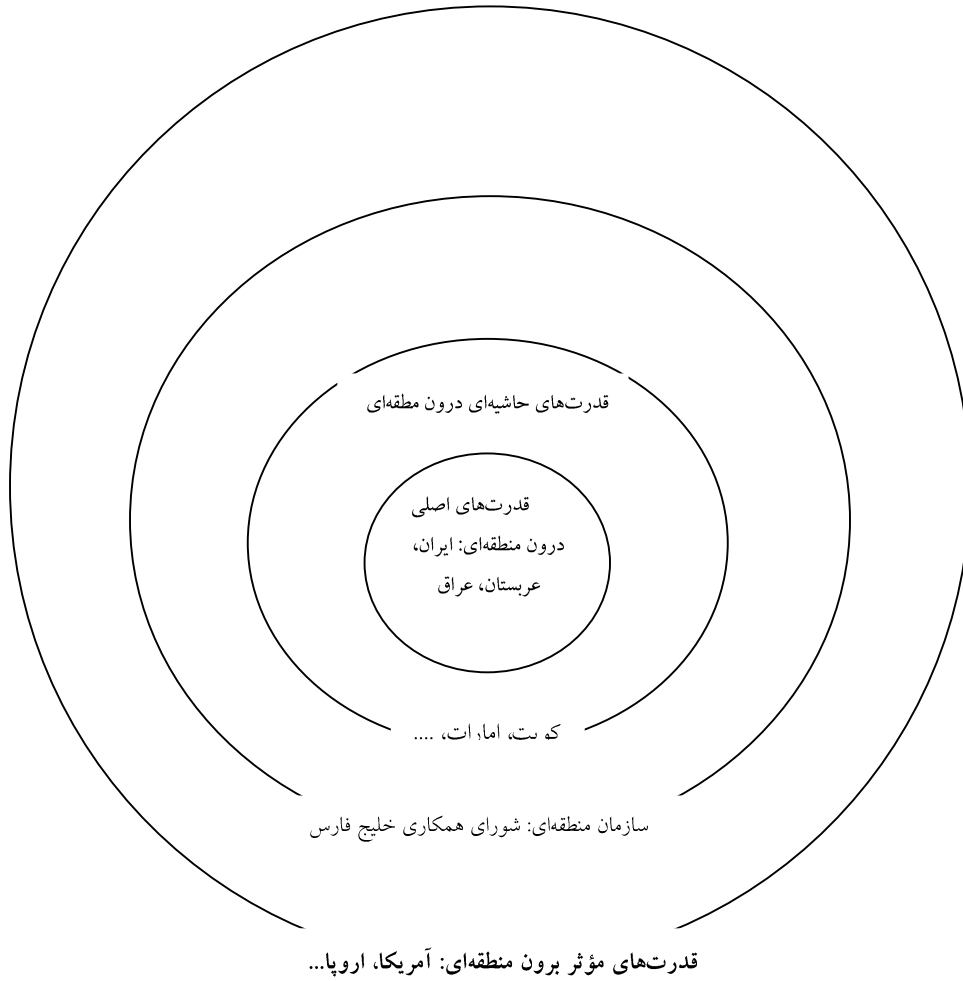
2. نوع بازیگران در خلیج فارس، بازیگران عمده به دو گروه زیر تقسیم شدنی هستند:

81. رک: لیک دیوید ای. وپاتریک ام. مورگان، همان.

82. اطلاعات اقتصادی - سیاسی، شماره 224 - 223، صص 228 - 227.

- الف) بازیگران منطقه‌ای (شامل دولت - ملت‌ها و بازیگران غیرکشوری)
- ب) بازیگران فرامنطقه‌ای (شامل دولت - کشورها مانند قدرت‌های بزرگ و بازیگران غیردولتی از جمله شرکت‌های نفتی و شرکت‌های تولید کننده تسلیحات).
3. سطح مداخله در سیاست‌های جهانی، این منطقه از دیرباز منطقه مهم استراتژیک برای بازیگران فرامنطقه‌ای و به ویژه قدرت‌های بزرگ بوده است.
- از سویی در دوران جنگ سرد، حساسیت آمریکا در مورد ممانعت از دستیابی شوروی به آب‌های گرم در خلیج فارس منجر به تبدیل این منطقه به عرصه رقابت ابرقدرت‌ها شده بود.
- در پی فروپاشی شوروی و جنگ دوم خلیج فارس، حضور نظامی نیروهای آمریکایی در آب‌ها منطقه‌ای افزایش یافت.
4. تعیین موقعیت در نظام جهانی، کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند سایر کشورها در مناطق در حال توسعه در گروه‌های طرفدار غرب / ضدغرب و بی‌طرف تقسیم شدند.
5. سطح هم‌گرایی منطقه‌ای؛ فرآیندی که به وسیله آن واحدهای اقتصادی یا سیاسی گوناگون (مانند کشورهای خلیج فارس) در تلاشند تا خود را متحد سازند، همگرایی خوانده می‌شود.⁸³
- با توجه به ادبیات مفهومی و نظری نظام امنیت منطقه‌ای مورگان و لیک از نمودار زیر برای بحث رساله استفاده می‌شود.

83. سعیده لطفیان، مطالعات خاورمیانه رژیم امنیت منطقه خلیج فارس یک چارچوب نظری، شماره 14 و 15.



ایران و نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس

خلاصه فصل اول:

این فصل به مفاهیم، متغیرها و چارچوب نظری رساله اختصاص داشت ضمن پرداختن به مفاهیمی چون «راهبرد»، امنیت و منطقه، متغیرهای رساله نیز طرح گردید. چارچوب نظری پژوهش حاضر از نظم منطقه‌ای دیوید لیک و مورگان بهره جسته است. که نظریه آنان به تفصیل طرح شد همچنین به دیدگاه‌های بوزان، تامپسون و کانتوری در ضمن بحث پرداخته شد و جهت غنای بحث نظری از مفاهیم آنها استفاده شد. که در این باره می‌توان به بحث جغرافیا و مجاورت، نقش قدرت‌های بزرگ و عوامل امنیتی و غیرامنیتی خارجی اشاره داشت و تلاش می‌شود که رساله بر اساس ادبیات مفهومی نظم منطقه‌ای بویژه دیدگاه لیک و مورگان ساماندهی می‌شود.